

تأثیر عملکرد حسابداری در پیشبرد درک پسانسان گرایانه

سعید خداداد^۱

علی جعفری^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

چکیده

هدف این مقاله دو جنبه است. اول، به دنبال بیان چارچوبی برای مفاهیم مختلف عملکرد حسابداری است. دوم، هدف آن ارتقای درک پسانسانگرایانه بارادی از عملکرد حسابداری است. این مقاله مفاهیم پایه‌ای مختلف از عملکرد را ردیابی می‌کند و سپس مفاهیم مختلف عملکرد حسابداری را بیان و اثبات می‌کند. یکی از این مفاهیم را با ایجاد درک پسانسانگرایانه بارادی از عملکرد حسابداری پیش می‌برد. هفت مفهوم از حسابداری اجرایی بیان شده است: حسابداری به عنوان یک بیان (ضد) عملکردی. حسابداری به عنوان یک بیان اجرایی؛ حسابداری به عنوان یک پیشگویی خودساز. حسابداری به عنوان یک چارچوب سرریز؛ حسابداری به عنوان یک آژانس ارتباطی کنترل شده؛ حسابداری به عنوان واسطه؛ و حسابداری به عنوان یک عمل انحصاری. این بحث مطرح می‌شود که چگونه یک درک پسانسان گرایانه از حسابداری به عنوان یک رویه انحصاری، حسابداری را از یک رویه جهانی به یک عمل جهان ساز تبدیل می‌کند. به این ترتیب، باید پاسخگو باشد. تحقیقات حسابداری کیفی پسانسان گرا که حسابداری را به عنوان یک رویه انحصاری در نظر می‌گیرد، بر این موضوع تمرکز دارد که چگونه حسابداری یک رویه مادی-گفتمانی است که با سایر رویه‌ها در درون عمل می‌کند و بر این موضوع که چگونه قدرت-عملکردی در درون فعالیت‌ها وجود دارد. به صورت محلی و موقت (دوباره) موقعیت‌های معناداری را برای سوژه‌ها و اشیا و مرزهای بین آنها تولید می‌کند. یک درک پسانسان گرایانه به تمرین‌کنندگان می‌آموزد که نسبت به استثنائاتی که با حسابداری یا به طور کلی‌تر اندازه‌گیری به وجود می‌آیند توجه و پاسخگو باشند. حسابداری نگرانی‌های اخلاقی را ایجاد می‌کند. این مقاله مفاهیم مختلفی از عملکرد حسابداری را بیان می‌کند و موردی را برای بررسی‌های تجربی غیرانسان‌مرکزی حسابداری به عنوان یک روش استثنایی مطرح می‌کند.

واژگان کلیدی

اخلاق، عملکرد، پسانسان گرایی، درون کنشی، عمل مادی-گفتمانی

۱. دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران. Saeid.khodadad1367@gmail.com

۲. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران. (نویسنده مسئول: Jafari.ali.iau@gmail.com)

۱ - مقدمه

عملکرد چیست؟ عملکرد در لغت یعنی حالت یا کیفیت کارکرد. بنابراین، عملکرد سازمانی یک سازه-ی کلی است که بر چگونگی انجام عملیات سازمانی اشاره دارد. معروف ترین تعریف عملکرد توسط نیلی و همکاران ارائه شده است: (فرایند تبیین کیفیت اثربخشی و کارایی اقدامات گذشته). طبق این تعریف، عملکرد به دو جزء تقسیم می-شود: (۱) کارایی که توصیف کننده ی چگونگی استفاده سازمان از منابع در تولید خدمات یا محصولات است، یعنی رابطه بین ترکیب واقعی و مطلوب دروندادها برای تولید بروندادهای معین؛ و (۲) اثربخشی که توصیف کننده-ی درجه-ی نیل به اهداف سازمانی است.

بویاتزیس، تعریف جالبی درباره عملکرد اثربخش ارائه نمود؛ بدین ترتیب که عملکرد اثربخش یک شغل عبارتست از حصول نتایج خاص یا دستیابی به نتایج خاص از پیش تعیین شده برای شغل (نظیر درآمد)، از طریق انجام اقداماتی خاص به طوری که مطابق با سیاست ها، رویه ها و شرایط محیط سازمانی باشد. عملکرد را مقبولیت نتایج برای مشتریان داخلی و خارجی سازمان می-دانند که محصولات، خدمات، اطلاعات و تصمیمات یا رخدادهای کارکردی مانند ارائه ها و رقابت-ها را دریافت میکنند.

در یک بررسی انتقادی، گوند و همکاران (۲۰۱۶) مشاهده می کنند که مفهوم عملکرد در تعدادی از رشته ها طنین انداز شده است، از جمله زبان شناسی (آستین، ۱۹۶۲)، فلسفه (باراد، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷؛ دریدا، ۱۹۷۹؛ لیوتار، ۱۹۸۴ [۱۹۷۹])، مطالعات جنسیتی (باتلر، ۱۹۸۸، ۱۹۹۳؛ ۱۹۹۷، ۲۰۱۰) و جامعه شناسی (کالون، ۱۹۹۸؛ مکنزی ۲۰۰۶، a؛ ۲۰۰۶، b) و همچنین در عواقب متعدد در نظریه سازمان و مدیریت قابل مشاهده است. با این حال، آن ها مشاهده می کنند که نظریه پردازان سازمانی این اصطلاح را به طور متفاوتی تفسیر می کنند و تلاش زیادی برای ارتباط دقیق تفاسیر خود با مفاهیم بنیادی عملکردی انجام نمی دهند.

حسابداری به عنوان پدیده ای که شامل مسائل اندازه گیری و ارزش گذاری است، عمیقاً در مسائل مدیریت و سازمان دخیل است؛ بنابراین قابل توجه است که گوند و همکاران (۲۰۱۶). به طور صریح به مطالعاتی که عملکرد حسابداری را مورد توجه قرار می دهند اشاره نکرده است. اولین بررسی سریع از ادبیات حسابداری نشان می دهد که مانند نظریه پردازان سازمان، محققان حسابداری که مفهوم عملکرد را بسیج می کنند نیز معانی مختلفی به آن می دهند و اغلب در ارتباط آن با مبانی آن چندان صریح نیستند. در این مقاله، من تصمیم گرفتم مفاهیم مختلف حسابداری عملکردی را توسعه دهم و در مورد آنها تأمل کنم و این مفاهیم را با مثال هایی از تحقیقات حسابداری موجود اثبات کنم. علاوه بر این، من پیشرفت بیشتری از یک مفهوم پسانسانگرایانه از حسابداری عملی را پیشنهاد می کنم: مفهوم حسابداری به عنوان یک عمل انحصاری. سؤالات راهنما عبارتند از: مفاهیم اساسی عملکرد چیست؟ کدام مفاهیم اساسی از عملکرد حسابداری را می توان متمایز کرد؟ و چه پتانسیل بیشتر و نسبتاً ناشناخته ای برای مطالعه عملکرد حسابداری باقی می ماند؟

مبانی اولیه مفهوم عملکردگرایی به یک چرخش به اصطلاح زبانی در علوم اجتماعی مربوط می شود. در سال ۱۹۶۲، آستین جملات اجرایی را از جملات ثابت در کنش گفتاری متمایز می کند (آستین، ۱۹۶۲). در مفاهیم متوالی زبان شناختی، چرخشی از یک گفتار یا یک کنش گفتاری به یک گفتار انجام می شود (باتلر، ۱۹۸۸، ۱۹۹۷)، بنابراین مفهوم عملکردپذیری را از موضوعی که صحبت می کند دور می کند. اساس این چرخش، این فرض هستی شناختی است که واقعیت از طریق شیوه های زبانی یا ساخت های گفتارنی ما ساخته می شود. فقط گزاره هایی که معنادار تلقی می شوند در زمینه های گفتارنی در گردش هستند و می توانند واقعیت را تشکیل دهند. ما نه تنها جهان و جایگاه خود را در آن با گفتارنی می شناسیم، بلکه توسط گفتارنی ساخته و محدود می شویم؛ بنابراین، عملکردگرایی دیگر کنش گسسته یک موضوع نیست، بلکه ساختار یک سوژه از طریق گفتارنی هایی است که هنجارها را تکرار می کنند (باتلر، ۲۰۱۰).

چرخش در زبان شناسی از کنش گفتاری به گفتارنی با چرخشی مادی دنبال می شود (کالون، ۱۹۹۸، ۲۰۰۷؛ مک کنزی، ۲۰۰۶، ۵۲۰۰۶؛ باراد، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷). به رسمیت شناخته شده است که نباید به زبان قدرت زیادی در قالب بندی و ساخت جهان داده شود. اظهارات تنها زمانی می توانند بر جهان تأثیر بگذارند که ماده، انسان و غیرانسانی که ما در جهان تجربه می کنیم، با آن مرتبط باشد. این نشان می دهد که عمل گرایی صرفاً در گزاره ها یا گفتارنی قرار نمی گیرد، بلکه در ارتباط گفتارنی با بازیگران انسانی و غیرانسانی (کالون، ۱۹۹۸، ۲۰۰۷) یا حتی اساساً در کنش های درهم تنیده مادی-گفتارنی قرار دارد (باراد، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷).

گفتن اینکه حسابداری عملکردی است به این معناست که حسابداری به نوعی سازنده یک واقعیت است. به خودی خود، این بینش خاص مبتکرانه نیست. صحبت صریح در مورد عملکرد حسابداری با تشخیص اینکه حسابداری سازنده دنیایی است که در آن عمل می کند، پیش می آید (برچل و همکاران، ۱۹۸۰؛ هاینز، ۱۹۸۸؛ میلر و پاور، ۲۰۱۳؛ پاور، ۲۰۲۱). به خوبی مستند شده است که حسابداری واحدهای قابل اداره، از جمله اشخاص قابل اداره را تشکیل می دهد. چنین افرادی نسبت به الزامات حسابداری تمایل دارند و مقوله هایی را که از طریق آنها توصیف می شوند درونی می کنند (میلر و اولری، ۱۹۸۷؛ میلر، ۱۹۹۲). اخیراً پاور (۲۰۲۱) مبانی خرد چنین توسعه ای در یک جامعه حسابرسی را به عنوان نتیجه ای از یک فرآیند تئوری اجرایی می کند. با این حال، اگرچه نظریه پردازی پاور فرآیند شکل گیری جمعی گرایش ها را بررسی می کند، من پیشنهاد می کنم که در بررسی اینکه چگونه حسابداری در تحقق بیشتر واقعیت نقش دارد، به اندازه کافی دور نمی رود. در (دوباره) ساختن موقعیت های ابژه معنادار و موقعیت های موضوعی، موقعیت های معنادار برای غیر انسان ها و برای انسان ها. گویی عملکردگرایی به شکل گیری یک گرایش شناختی جمعی مربوط می شود، گویی یک مکانیسم فرهنگی است، نه یک مکانیسم مادی؛ اما حسابداری چگونه اهمیت پیدا می کند، چگونه واقعیت مادی را می سازد؟ با واسطه گرایش هایی در ذهن انسان که انسان ها را در تصمیم گیری ها و اعمالشان راهنمایی می کند، آیا این کار را به طور غیرمستقیم انجام می دهد، یا مستقیم؟ آیا حسابداری ممکن است نمایندگی مخصوص به خود را داشته باشد؟ آیا ممکن است از طریق روابطش با ماده به معنای وسیع کلمه، از طریق روابطش با جهانی ناهمگون متشکل از انسان های کم و بیش انسان و غیرانسان، عاملیت داشته باشد؟ برای بررسی این پرسش ها، ما باید از درک

عملکرد حسابداری در شکل‌گیری تمایلات انسانی (چیزی که در ذهن انسان رخ می‌دهد) فراتر برویم و به درک عملکرد حسابداری در ایجاد موقعیت‌های معنادار برای انسان‌ها و غیرانسان‌ها (چیزی که واقعیت مادی را ایجاد می‌کند برویم).

این مقاله مفاهیم مختلف عملکرد حسابداری را بررسی و توسعه می‌دهد. به طور خاص، دو مشارکت را انجام می‌دهد. اول، چارچوبی برای مفهوم‌سازی عملکرد حسابداری ایجاد می‌کند (جدول ۱) و ثانیاً، درک خاص پسانسان‌گرایانه از حسابداری عملکردی را ارتقا می‌دهد.

در مورد سهم اول، چارچوب مفاهیم مختلفی از حسابداری عملکردی را بیان می‌کند و هر مفهوم را با تحقیقات موجود اثبات می‌کند. [1] تعدادی از مقالات انتخاب شدند: (عزامل، ۲۰۰۹؛ دامبرین و رابسون، ۲۰۱۱؛ زوسلمن، ۲۰۱۴؛ زولینو و موریتسن، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷؛ موریتسن و کرینر، ۲۰۱۶؛ بوسکو و کوآترونه، ۲۰۱۷؛ منار، ۲۰۱۸؛ ایبیکر و مدل، ۲۰۱۹؛ بودکر و همکاران، ۲۰۲۰؛ مک لارن و اپل یارد، ۲۰۲۰؛ فالکونبریج و موزیو، ۲۰۲۱؛ راف، ۲۰۲۱) علاوه بر این، من مقالات چاپ شده در مجلات در رشته مدیریت و سازمان (MOS) را انتخاب کردم (کیورز و همکاران، ۲۰۱۲؛ اورلیکوفسکی و اسکات، ۲۰۱۴؛ ون ارپ و همکاران، ۲۰۱۹؛ پاور، ۲۰۲۱) دو مورد از این مقالات در مجلات MOS (اورلیکوفسکی و اسکات، ۲۰۱۴؛ کیورز و همکاران، ۲۰۱۲) به حسابداری و ارزش‌گذاری به عنوان شیوه‌های گفتمانی مادی می‌پردازند. تاکنون چنین مقالاتی در مجلات معتبر حسابداری وجود ندارد.

سهم دوم، پیشرفت درک پسانسانیتی بارادی از حسابداری عملکردی است. چنین درک پتانسیل بررسی بیشتر چرخش مادی در مطالعه عملکرد حسابداری را دارد. اگرچه دست کم با دست زدن به کار نظریه‌پردازان شبکه‌های کنشگر مانند لاتور و کالن، تعدادی از مطالعات واقعاً تشخیص می‌دهند که حسابداری برای اجرایی شدن باید با ماده مرتبط باشد، چنین مطالعاتی تا حد زیادی بین انسان‌های معنادار و غیرانسان مرزبندی می‌شود. نمونه‌های اولیه منتشر شده در مجلات MOS (کیورز و همکاران، ۲۰۱۲؛ اورلیکوفسکی و اسکات، ۲۰۱۴)، گزارش‌های دقیقی از نحوه موقعیت‌یابی معنادار انسان‌ها و غیرانسان‌ها ارائه نمی‌کنند؛ بنابراین، من برای پیشرفت یک درک پسانسانگرا (باراد، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷) [۲] از عملکرد حسابداری استدلال می‌کنم. این فهمی است که وجود انسان و غیر انسان را رد نمی‌کند، بلکه آن است. تصدیق می‌کند که آنها به طور معناداری از درهم‌تنیدگی انسان‌ها موقعیت می‌گیرند و غیرانسان شدنشان به طور خاص، یک گزارش پسانسان‌گرایانه بر چگونگی تمرکز دارد موقعیت‌های معنادار برای انسان‌ها، غیرانسان‌ها و مرزهای بین آنهاست از طریق تمرینات انجام می‌شود. پس حسابداری به عنوان مرزبندی و تمرین جهان‌سازی اینطور نیست که این اعمال در دنیا انجام شود، دنیا شامل اعمال برعکس است: شیوه‌ها (از جمله رویه‌های حسابداری) (دوباره) جهان را تشکیل می‌دهند. این بینش حسابداری را به عنوان یک رویه اخلاقی-سیاسی انحصاری معرفی می‌کند که باید پاسخگو باشد. چنین درک پسانسان‌گرایانه‌ای فراتر از توضیح پاور از حسابداری و ایجاد مرز است، زیرا حساب او از موجودیت‌های از پیش داده شده («فرض موجودیت») و روابط بین آنها شروع می‌شود (پاور، ۲۰۱۸).

در بخش دوم، به طور خلاصه مفاهیم بنیادی عملکردی را مورد بحث قرار می‌دهم، سپس بخش سومی را ارائه می‌دهم که در آن چارچوبی را ارائه می‌کنم که چندین مفهوم از عملکرد حسابداری را بیان می‌کند. در بخش چهارم، من برای پیشرفت مطالعه حسابداری به عنوان یک عمل مرزبندی استثنایی بحث می‌کنم، مطالعه‌ای که پتانسیل بحث در مورد اخلاقیاتی را دارد که از طریق برخورد عمل حسابداری با سایر رویه‌ها افشا می‌شود. در بخش پنجم، من به سخنان پایانی پایان می‌دهم.

۲. مفاهیم اساسی عملکرد

عملکرد با کنش‌های گفتاری، گفتمان، شبکه‌های ارتباط بین انسان‌ها و غیرانسان‌ها و درون کنش‌ها مرتبط بوده است.

۲-۱ عملکرد و اعمال گفتاری

تصورات اولیه از عملکرد در سازمان و رشته‌های مدیریتی، بینش اولیه جان آستین را از محیط زبان خود جابجا کرده است تا آنها را در معرض زمینه‌های جدید قرار دهد (دنيس، ۲۰۰۶؛ گوند و همکاران، ۲۰۱۶). از نظر آستین (۱۹۶۲)، زبان اساساً ثابت نیست و همه جملات توصیفی نیستند. ادای جمله نیز می‌تواند (جزئی از) انجام عمل باشد: «گفتن چیزی، انجام دادن کاری است؛ یا با گفتن چیزی در حال انجام کاری هستیم» (آستین، ۱۹۶۲، ص. ۱۲). او بین کنایه و پرلوکوشن فرق می‌گذارد. اولی کنش‌های گفتاری هستند که فوراً مولد واقعیت‌هایی هستند که با نیت گوینده مطابقت دارد، برای مثال زمانی که کریستین لاگارد، رئیس بانک مرکزی اروپا، کاهش نرخ بهره را اعلام کرد. عبارات، مستلزم وجود از قبل «شرایط خوشایند» خاص هستند (آستین، ۱۹۶۲). به عنوان مثال، کریستین لاگارد به طور پیشینی دارای سمت رسمی رئیس جمهور است و رویه‌های خاصی دنبال می‌شود. پرلوکوشن‌ها مداخلاتی هستند که فعالیت‌هایی را ایجاد می‌کنند که ممکن است شرایط خوبی را ایجاد کنند یا در به وجود آوردن آنها شکست بخورند. به عنوان مثال، اگر مدیریت ارشد یک شرکت خصوصی سرمایه‌گذاری بزرگی را در فناوری جدید اعلام کند، چنین سرمایه‌گذاری تنها در صورتی محقق می‌شود که افراد دیگر برای تحقق آن تلاش کنند و شرایط مناسب فراهم باشد. با این حال، متأسفانه، در طول مسیر همیشه خطر خرابی و اختلال وجود دارد که می‌تواند تأثیرات را از گفته اصلی دور کند. اینجاست که عملکرد پرلوکوشن‌ها در آن قرار دارد. این نیروی بسیج‌کننده و مولد چنین خرابی‌ها و اختلالاتی است. بنابر این، کالون (۲۰۱۰) اظهار می‌دارد که یک بیان ممکن است به عنوان یک مورد خاص از یک سخنرانی در نظر گرفته شود: موردی که در آن چنین خرابی یا اختلالی وجود نداشته باشد زیرا همه شرایط خوب برآورده شده است. همانطور که کالون استدلال می‌کند، عملکرد نادرست نادر است. به قول آستین خطا می‌کند، یعنی اعمال گفتاری که مقاصد اساسی را درک نمی‌کند، قاعده است. چنین آتش‌سوزی‌هایی باعث ایجاد نگرانی می‌شود (کالون، ۲۰۱۰). مناقشات و تنش‌ها به وجود می‌آیند و تأثیرات گفته اصلی را غیرقابل پیش‌بینی می‌کنند.

در رابطه با اعمال گفتاری، باتلر مفهوم تحریک‌پذیری را معرفی می‌کند (باتلر، ۱۹۹۷). او استدلال می‌کند که کنش‌های گفتاری همیشه خارج از کنترل گوینده است. آنها تحریک‌پذیر هستند. تحریک‌پذیری زمانی اتفاق می‌افتد که گفتار-عمل دور از تولید اصلی خود در گردش باشد. همیشه این امکان وجود دارد که کنش گفتاری مجدداً ظاهر شود، برای انتقال متفاوت معنای آن، چیزی که باتلر آن را «زمانی باز» کنش گفتاری می‌نامد.

۲-۲ عملکرد گفتمان ها

با به چالش کشیدن آستین، جدیت باتلر به ما هشدار می دهد که نباید معنای موضوعی را که صحبت می کند بیش از حد ارزش گذاری کنیم (باتلر، ۲۰۱۰). اگرچه کاهش نرخ بهره ممکن است با سخنرانی رئیس بانک مرکزی اروپا ایجاد شود، باتلر معتقد است که یک کنش گفتاری در واقع شکلی تکرار شده از گفتمان است. رئیس جمهور یاد می گیرد که چه بگوید و باید به روش های مدون و تشریفاتی صحبت کند. گفتمانی وجود دارد که مقدم است و کنش گفتاری یک سوژه (در این مورد رئیس بانک مرکزی اروپا) را ممکن می سازد.

باتلر با تکیه بر پساختارگرایان فرانسوی مانند فوکو، آلتوسر و دریدا، مفهوم تکرارپذیری را توسعه می دهد. از نظر باتلر، عملکرد پذیری دیگر به کنش گسسته یک موضوع ردیابی نمی شود، بلکه به ساختار یک سوژه از طریق تکرار مداوم کنش های گفتاری یا گفتمان هایی که هنجارها را تکرار می کنند، بازمی گردد (باتلر، ۲۰۱۰). چنین تکراری نشانه ای از قدرت است که تنها زمانی اجرایی می شود که «عملی بازتاب اعمال قبلی باشد و نیروی اقتدار را از طریق تکرار مجموعه ای از اعمال مقتدر قبلی جمع کند» (باتلر، ۱۹۹۳، صفحات ۲۲۶-۲۲۷). از طریق همین تکرار است که فرد در درون گفتمان ها سوژه و سوژه می شود و از طریق عمل گرایی سوژه می شود؛ بنابراین، از نظر باتلر، عملکرد «(دوباره) ساختن» سوژه هاست (باتلر، ۲۰۱۰). عملکرد به آن چیزی نیست که سوژه های از قبل موجود می گویند و انجام می دهند، نه در مورد پیامد فوری عامل انسانی، بلکه در مورد ساختار سوژه ها است. هویت سوژه ها از طریق «تکرار تلطیف شده اعمال» نهادینه می شود (باتلر، ۱۹۸۸، ص ۵۱۹). انسان ها با هویت های خاص خود شکل های گفتمانی هستند. قدرت در گفتمان با تکرار [۳] نشان داده می شود.

۲-۳ عملکرد در شبکه های ناهمگن

مانند باتلر، کالن تمرکز آستین را در مورد موضوع صحبت به چالش می کشد. او به ویژه بر عملکرد اقتصاد تمرکز دارد (کالن، ۲۰۰۷، ۲۰۱۰). اقتصاد برای تبدیل شدن به یک گفتمان اجرایی، نیازمند شبکه ناهمگن مناسبی از انسان و غیرانسان است. از طریق چنین چرخش مادی به شبکه ای از انسان ها و غیرانسان ها است که نظریه اقتصادی ممکن است واقعیت ایجاد کند و ممکن است هم سوژه ها و هم ابژه ها را (دوباره) بسازد. با تمرکز بر فعالیت در این شبکه های ناهمگن، کالون بر سخنرانی ها تمرکز می کند (کالون، ۲۰۱۰). "تکرار عملکرد" او مدعی است که اقتصاد به جای توصیف و توضیح اقتصاد، آن را شکل می دهد؛ بنابراین، این تکرار در مورد سخنان تئوری است و نه در مورد کنش های غیرکلامی اقتصاددانان. تئوری اقتصادی با ماده مرتبط است، با شبکه های ناهمگن، صرفاً از بیرون بر جهان حکومت نمی کند. تئوری یا مدل خارج از دنیایی نیست که به آن اشاره می کند، بلکه مستلزم آن است که خود جهان را محقق کند. برعکس، جهانی که به آن اشاره می کند، بدون گفتمان (اقتصاد) که آن را عملی می کند، بی معنی است (کالون، ۲۰۰۷، ص ۳۱۹). این نظریه چارچوبی را ایجاد می کند که مرزهای شناختی را مشخص می کند که در آن تعاملات انجام می شود. مستثنی و رد می کند. از آنجایی که شبکه های ناهمگن همیشه شکننده هستند، قاعده کلی برای کالون این است که فریم سرریزهایی ایجاد می کند، تخطی از مرزهای فریم. عملکرد مکرر به این معنی است که سرریزها قوانین بازی هستند (کالون، ۲۰۱۰).

کالن با قرار ندادن عملکرد در گفتمان‌ها، بلکه در شبکه‌های ناهمگونی که اقتصاد به آن متصل است، چرخشی مادی ایجاد می‌کند. اقتصاد تنها از طریق اتصال به شبکه‌های ناهمگن، «عوامل» فنی-اجتماعی که از طریق آن‌ها انسان‌ها و غیرانسان‌ها به دقت خود را با یکدیگر تطبیق می‌دهند، عملی می‌شود. «عملیات» شبکه‌های روابط هستند. آن‌ها چیزها نیستند، بلکه فرآیندها یا انجام‌ها هستند. «آژانس‌ها» مکان نمایندگی اجرایی (قراردی، ۲۰۱۷). به محض اینکه تئوری اقتصادی وصل شد، ممکن است تبدیل شدن به عملکرد به این معنا که به عنوان مثال به تجهیزات محاسباتی شکل می‌دهد و دستگاه‌های حسابداری و همچنین اقدامات انجام شده (کالون، ۲۰۰۷). در موثرترین آن پیامدها، اقتصاد عملی از «همو اکونومیکوس» است.

مک کنزی (۲۰۰۶a, b) با تمایز چهار مورد برتر عملکرد کالن استوار است. انواع عملکرد (۲۰۰۶a, ص. ۱۷) اول، زمانی که یک جنبه از عملکرد عمومی وجود دارد اقتصاد (یک نظریه، مدل، مفهوم، رویه، مجموعه داده‌ها و غیره) توسط شرکت کنندگان در فرآیندهای اقتصادی، مانند تنظیم‌کننده‌ها، سرمایه‌گذاران و مدیران استفاده می‌شود. دوم، زمانی که استفاده عملی از یک جنبه از علم اقتصاد بر فرآیندهای اقتصادی تأثیر می‌گذارد، عملکرد مؤثری وجود دارد. سوم، عملکرد بارنزی (به نام بری بارنز جامعه‌شناس دانش علمی) وجود دارد که استفاده عملی از جنبه‌ای از اقتصاد، فرآیندهای اقتصادی را بیشتر شبیه به تصویر کشیدن آنها توسط اقتصاد می‌کند. مک کنزی قوی‌ترین نوع عملکردپذیری را در مقابل عملکرد متضاد قرار می‌دهد که باعث می‌شود فرآیندهای اقتصادی کمتر شبیه به تصویر آن‌ها در اقتصاد به نظر برسند.

تمایز مک کنزی بدون چالش نیست. به ویژه باتلر عدم بحث مک کنزی در مورد عملکرد گفتاری آستین را زیر سوال می‌برد (باتلر، ۲۰۱۰). تمایز بین عملکرد بارنزی و ضدعملکرد به مفهوم سازی عملکرد ناواسطه آستین برمی‌گردد، زیرا هر دو مفهوم با مقاصد مندرج در یک مدل مرتبط هستند. اگر مقاصد محقق شوند، عملکرد بارنزی وجود دارد. اگر در مقابل، مقاصد محقق نشود، عملکرد متقابلی وجود دارد که توسط مدل‌های جایگزین آغاز می‌شود؛ بنابراین عملکرد با تحقق موفقیت آمیز نیات مرتبط است. عملکرد معکوس به یک شکست، به یک خطا (یا حتی یک نتیجه معکوس زمانی که مدل در نتیجه مقاومت تغییر می‌کند) مرتبط است. مدل‌های دیگر قوی‌تر هستند. با این حال، مفاهیم پرفورماسیون و پرلوکشن (کالون، ۲۰۰۷)، به دیدگاهی بازتر و پویاتر اجازه می‌دهد که مفهوم عملکردپذیری را به موفقیت آن مرتبط نمی‌کند. در چنین دیدگاهی، عملکردپذیری می‌تواند در جهت‌های مختلفی پیش رود (دآدریو و همکاران، ۲۰۱۹). این مقصد نیست، بلکه یک سفر در حال انجام است (گارود و گهمان، ۲۰۱۹). اعمال و مدل‌های گفتاری چیزهای رابطه‌ای هستند که ممکن است پیامدهای اجرایی غیرمنتظره‌ای داشته باشند.

۲-۴ قدرت عملکرد

برای برخی، واژگان نظریه شبکه بازیگر ((ANT شوکه کننده بود (لاو و سینگلتن، ۲۰۱۴)، زیرا انسان را از مرکز صحنه دور کرد و روابط بین انسان و غیرانسان را جایگزین آن کرد؛ بنابراین با انسان‌ها و غیرانسان‌ها مانند فناوری‌های حسابداری به طور متقارن رفتار می‌شود. با این حال، برخورد متقارن با انسان‌ها و غیرانسان‌ها به این معنا نیست که هر دو

عاملیت را در خود پیدا می کنند. دلالت بر این ندارد که غرض ورزی از خصوصیات غیر انسان است، مشابه عمد در انسان. ادعا به سادگی این است که در روابط بین انسان و غیر انسان عاملیت وجود دارد (لاتور، ۲۰۰۵). با این حال، این ادعا که عاملیت در روابط وجود دارد به ما کمک نمی کند تا بفهمیم این بازیگران چگونه موقعیت معناداری پیدا می کنند تا بتوانند به روش های خاصی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. بازیگران انسانی و غیر انسانی چگونه موقعیت های معناداری را اشغال می کنند تا بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند؟ اگر ادعای وجود عاملیت در روابط به جای بازیگران معنادار از قبل موجود باشد، این سوال از «چگونه بازیگران قدرتمند درگیر روابط می شوند» به «چقدر روابط قدرتمند موقعیت های معناداری را برای انسان ها و غیرانسان ها (باز) ایجاد می کند» تبدیل می شود. اگر هیچ بازیگر معنی داری از قبل وجود نداشته باشد که با یکدیگر ارتباط داشته باشد، اما اگر روابطی وجود داشته باشد که کنشگران معنادار انسانی و غیر انسانی را (باز) تولید کند، باید به سطح بنیادی تری برویم و پرسیم که دقیقاً چه چیزی را می سازد. در حال پی ریزی پایه های روابط است. اگر هیچ کنشگران معناداری از قبل وجود نداشته باشند، چگونه ارتباط (تعاون و تعامل) ممکن می شود؟ پاسخ دادن این سؤال مهم، ما باید بدانیم که یک قدرت سازنده در کار است که در بازیگران از قبل موجود نیست، بلکه در «جریان عاملیت» (باراد، ۲۰۰۷) قرار دارد که امکان اعمال و به اجرا در آمدن را شرط می کند. ویسر و دیویس (۲۰۲۱) چنین عملکردی را به عنوان قدرت-عملکرد نامگذاری می کنند که اصطلاحی است که با درک پسانسان گرایانه مطابقت دارد. وقتی عاملیت را به عنوان یک «جریان» در نظر می گیریم، متوجه می شویم که شرایط امکان را از اقدامات قبلی به ارث می برد و شرایط امکان را به کنش های بعدی منتقل می کند (دلوز و گاتاری، ۱۹۸۷). ما باید نشان دهیم که چگونه از طریق یک جریان نمایشی از بازیگران، بازیگران در موقعیتی قرار می گیرند که به طور معناداری با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اجرا کنند و بر اساس آنها اجرا شوند. این جریان عاملیت در اعمالی قرار دارد که فی نفسه بوسیله نیت انسانی بسیج نمی شوند، اعمالی که در آنها کنشگران عقلانی و عمدی انسانی خود کفا با غیرانسان ها تعامل دارند، اما در اعمالی که در آنها تمایز پیشینی بین انسان و غیرانسان وجود دارد. بین امر اجتماعی و مادی هیچ ربطی ندارد. نکته مهم، این است که چنین شیوه هایی مانند واژگان لاتوری و کالونی، بازیگران را گرد هم نمی آورند یا به هم مرتبط نمی کنند، بلکه بازیگران را به صورت محلی و موقت، از طریق ایجاد مرزهای سیال و زمانی بین موقعیت های موضوعی معنادار و موقعیت های ابژه، در موقعیتی قرار می دهند. دنیا در تمرینات انجام می شود.

شکی نیست که اهمیت مفهوم یک عمل توسط نظریه پردازان شبکه کنشگر به رسمیت شناخته شده است. به عنوان مثال، لاو و سینگلتون (۲۰۱۴) به صراحت ادعا می کنند که حرکت از انسان محوری به سمت برخورد متقارن با انسان و غیرانسان کافی نیست، بلکه باید اساساً وجود قدرت-عملکرد (یا آنچه را که آنها انجام می دهند) تشخیص دهیم. فراخوانی کنش پذیری هستی شناختی: مرزهای بین موقعیت های معنادار برای انسان ها و غیرانسان ها، سوژه ها و ابژه ها، در شیوه هایی در روابط شبکه ای انجام می شوند. الگوهایی از روابط وجود دارد که در عملکردها تعبیه شده و در آن بازتولید می شود (لاو و سینگلتون، ۲۰۱۴). واقعیت فرآیندی از خلقت و بازآفرینی مداوم است و همه ما در آن فرآیند

مشارکت داریم. همانطور که لاو (۲۰۱۱) ادعا می کند، اگر چنین آفرینش و تفریح مداوم متوقف شود، جهان شروع به توخالی شدن خود می کند.

لاو و سینگلتون عملکردها را به عنوان روابطی که به طور ناهمگون مادی و نشانه شناختی هستند درک می کنند (لاو و سینگلتون، ۲۰۱۴). آنها به طور ناهمگون مادی هستند زیرا بیش از انسان هستند. هم انسان ها و هم غیرانسان ها در آن شرکت می کنند. در عین حال، نشانه شناسی هستند زیرا از علائم و نشانه هایی مانند کلمات و اعداد استفاده می کنند. مفهوم سازی حسابداری به عنوان یک عمل مادی- نشانه شناختی، تمرکز دقیق بر نقش سازنده حسابداری در سازمان ها و جامعه را ممکن می سازد. لازم به ذکر است که مفهوم یک رویه مادی - نشانه شناختی با تصور شاتزکی از یک عمل متفاوت است (شاتزکی، ۲۰۰۲) که توسط آرنس و چپمن (۲۰۰۷) در توسعه مفهومی از عملکرد موقعیتی حسابداری وارد رشته حسابداری شد. با این حال، تصور شاتزکی از یک عمل، همچنان تمایل دارد که نقش سازنده حسابداری (فناوری ها یا کتبه ها) را در تولید واقعیت نادیده بگیرد (همچنین برای یک استدلال مشابه به نیبرگ، ۲۰۰۹ مراجعه کنید).

دیدگاه های بیان شده توسط لاو و سینگلتون (۲۰۱۳؛ ۲۰۱۴) بسیار نزدیک به نظرات بیان شده توسط باراد (۲۰۰۳، ۲۰۰۷) در گزارش پسانسان گرای او از عملکردپذیری است. مشابه لاو و سینگلتون (۲۰۱۴)، باراد (۲۰۰۳، ۲۰۰۷) اعمال را نه به عنوان اعمال انسانی درک می کند. او از شیوه های مادی-گفتمانی صحبت می کند. چنین رویه هایی الگوهایی از «روابط بدون رابطه» هستند (باراد، ۲۰۰۷، ص ۴۴۴)، روابطی بدون بازیگران معنادار از قبل موجود. الگوهای رابطه ای وجود دارد. نه الگوهای تداعی (به عنوان یک فعل)، بلکه درهم تنیدگی هایی که در آن بازیگران در حال پیوستگی خود هستند. همانطور که باراد (۲۰۰۷) توضیح می دهد:

درهم تنیدگی صرفاً در هم تنیدگی با دیگری نیست، مانند پیوستن موجودات مجزا، بلکه فقدان وجود مستقل و مستقل است. هستی یک امر فردی نیست. افراد از قبل تعاملات خود را ندارند. بلکه افراد از طریق و به عنوان بخشی از روابط درونی درهم تنیده خود پدیدار می شوند. باراد تأکید می کند که عقده ها دستگاه هایی را تشکیل می دهند که در آنها معنا و ماده وجود دارد با هم برگزار می شوند؛ یعنی «معنا را نباید به عنوان یک خاصیت فردی فهمید کلمات یا گروه های کلمات [...] معنا از طریق مواد خاص ممکن می شود اعمال» (باراد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸)؛ بنابراین، برای اینکه گفتمان وجود داشته باشد، باید به صورت مادی بیان شود از طریق مصنوعات، بدن، متون، شکل ها و غیره همچنین (نگاه کنید به کورین و همکاران، ۲۰۰۶) به باراد، گفتمان مجموعه ای منسجم درونی از تمایزات غیر مادی نیست که بر آن حکومت کند جهان مادی. در مورد ماده: ثابت نمی ماند، «ماده، تکه های کوچک طبیعت، یا لوح های خالی، سطح یا سایتی نیست که منفعلانه در انتظار دلالت است» (باراد، ۲۰۰۳، ص ۸۲۱). در جایی که گفتمان به طور مادی اجرا می شود، ماده از نظر گفتمانی عاملی است؛ بنابراین ماده و گفتمان متقابلاً سازنده هستند.

در درهم تنیدگی ها، مرزهای بین موقعیت های معنادار برای انسان ها (سوژه ها) و موقعیت های معنادار برای غیرانسان (اشیاء) مقدم نیستند، بلکه از طریق فعالیتی که باراد به عنوان درون کنشی مطرح می کند، ظاهر می شود (باراد، ۲۰۰۳،

۲۰۰۷). مفهوم درون کنش با مفهوم تعامل متفاوت است. این نشان می دهد که فعالیت بین بازیگران معنادار از پیش تعیین شده نیست، بلکه بین انسان ها (موضوعات) و غیرانسان ها (اشیاء) است که "از نظر هستی شناختی باز" هستند (اینترونا، ۲۰۱۳). بین سوژه ها و اشیا در صیورورت آنها. این در درون عمل است که در آن قدرت عملکرد قرار دارد. چنین کنش پذیری قدرتی است که پیامد موقعیت های سوژه معنادار (همیشه زمانی) و موقعیت های ابژه، مرزها و روابط بین آنهاست.

۲-۵ عملکرد به عنوان جستجو برای کارایی

مفاهیم اساسی عملکردپذیری همانطور که در بالا مورد بحث قرار گرفت تا حدی با کار آستین (۱۹۶۲) مطابقت دارد. با این حال، یک مفهوم جایگزین نیز وجود دارد که توسط لیوتار (۱۹۸۴) پیشنهاد شده است. تصور او از اجرا به صراحت کار آستین را کنار می زند و مسیری متفاوت می گیرد. همانطور که کابانتوس و همکاران. مثلاً، این یک "استفاده تقریباً تصادفی از یک اصطلاح مشابه" است (کابانتوس و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۲۰۰) از نظر لیوتار، عملکرد مفهومی مرتبط با مکانیسمی در یک سیستم (اجتماعی) است که پیگیری کارایی را که بر اساس نسبت ورودی/خروجی اندازه گیری می شود، افزایش می دهد. او از ما می خواهد که تأثیرات دغدغه کارآمدی را در جامعه پست مدرن ارزیابی کنیم. ایده های او زمینه را برای مطالعات مدیریت انتقادی «ضد عملکردی» (CMS) و اخیراً برای به اصطلاح «عملکرد انتقادی» در CMS فراهم کرد. عملکرد انتقادی شامل مداخله فعال و خرابکارانه توسط محققان انتقادی در گفتمان ها و شیوه های مدیریتی است (اسپایسر و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۵۳۸)، به دور از جستجو برای کارایی. ویکرت و شفر بیشتر مفهوم عملکرد انتقادی را به مفهوم «عملکرد پیشرونده» به عنوان «مفهومی برای هدایت رفتار مدیریتی در جهت های مختلف و احتمالاً بازتابی تر» توسعه می دهند (ویکرت و شافر، ۲۰۱۵، ص ۱۰۹). کابانتوس و همکاران (۲۰۱۶) این مفاهیم را به طور انتقادی ارزیابی می کند که متعاقباً منجر به نظرات اضافی توسط فلمینگ و بانرجی (۲۰۱۶)، شفر و ویکرت (۲۰۱۶) شد؛ و اسپایسر و همکاران (۲۰۱۶)؛ و پاسخ لیرمانت و همکاران. (۲۰۱۶).

۳. مفاهیم عملکرد حسابداری: یک چارچوب

پیوند مفهوم عملکرد به کنش های گفتاری، گفتمان ها، شبکه های ناهمگن و شیوه های مادی-گفتمانی [۴] را به ارائه چهار مفهوم از حسابداری که ممکن است به عملکردی مرتبط باشد، سوق می دهد: حسابداری به عنوان یک عمل محاسبه عمدی (شبیه به گفتار-). عمل؛ حسابداری به عنوان یک گفتمان (به عنوان یک معنا یا به عنوان یک چارچوب)؛ حسابداری به عنوان یک بازیگر در شبکه های ناهمگن؛ و حسابداری به عنوان یک عمل مادی-گفتمانی. جدول ۱ این مفاهیم مختلف از حسابداری را به تضاد بین "عملکرد به عنوان مقصد" و "عملکرد به عنوان یک سفر در حال انجام" مرتبط می کند (گارود و گهمان، ۲۰۱۹) [۵]. عملکرد زمانی مقصدی است که در زمینه تحقق موفقیت آمیز مقاصد اساسی قرار گیرد. این یک سفر در حال انجام است که هر گونه تطابق بین حسابداری و "جهان" "اما موقتی است و احتمالاً توسط تعدادی از نیروها لغو خواهد شد" (گارود و گهمان، ۲۰۱۹، ص ۶۸۲).

به عنوان یک عمل محاسبه (که ممکن است به عنوان مثال شامل یک محاسبه سرمایه گذاری یا یک رتبه بندی باشد) ممکن است حسابداری اثراتی داشته باشد که توسط ماشین حساب ها در نظر گرفته شده است (بودکروهمکاران، ۲۰۲۰).

از نظر آستین، چنین عملی از محاسبات، بیانی اجرایی است؛ بنابراین، یک بیان اجرایی یک مقصد دارد. با این حال، پس از بیان محاسبه ممکن است پیامدهای دینامیکی غیرقابل پیش بینی نیز داشته باشد. سپس عمل محاسبه به یک پرلوکوشن اجرایی تبدیل می‌شود که می‌تواند در هر جهت حرکت کند. مقصد ثابتی ندارد (رولینو و موریتسن، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷).

به عنوان یک گفتمان یا یک چارچوب در گردش، حسابداری ممکن است تبدیل به یک پیش‌گویی خودپرداخت‌کننده شود، مشروط بر اینکه شرایط مرزی مناسب (که آستین آن را به عنوان شرایط سعادت‌مند می‌نامد) وجود داشته باشد (بیکر و مدلل، ۲۰۱۹؛ عزامل، ۲۰۰۹؛ پاور، ۲۰۲۱؛ راف، ۲۰۲۱). سپس گفتمان یا چارچوب حسابداری به احتمالات و محدودیت‌های مندرج در آن پی می‌برد. شاید بتوان گفت که گفتمان یا چارچوب کلی بر جهان حاکم است. می‌توان انتظار داشت که مطالعات در این رشته به ویژه وجود یا عدم وجود شرایط مرزی را مورد بررسی قرار دهد، بنابراین توضیح می‌دهد که چرا حسابداری به عنوان یک گفتمان یا یک چارچوب، عملکردی است یا نیست. با این حال، گفتمان همچنین ممکن است به چارچوبی سرریز تبدیل شود، بنابراین از مقصد خود دور می‌شود (فالكونبریچ و موزیو، ۲۰۲۱ - تمسن و شریک، ۲۰۱۸). در حالی که یک چارچوب حسابداری مرزی را برای تعاملات ایجاد می‌کند، کم و بیش مستقل از زمینه اطراف آنها (کالون، ۱۹۹۸)، سرریزها از مرزهای چارچوب حسابداری تجاوز می‌کنند. آنها ممکن است ضد عملکرد باشند، نه تنها به این معنا که ممکن است منجر به شلیک نادرست فریم شوند، بلکه حتی به این معنا که در فریم نتیجه معکوس داشته باشند، به طوری که قاب کمتر قانونی شود (فالكونبریچ و موزیو، ۲۰۲۱).

به عنوان یک بازیگر، حسابداری به صراحت به عنوان یک چیز رابطه‌ای در نظر گرفته می‌شود. با دیگر بازیگران، چه ماهیت انسانی و چه غیرانسانی، ارتباط و تعامل دارد (تعامل‌های دو طرفه). پس حسابداری دارای یک آژانس رابطه‌ای است که ممکن است کم و بیش متمرکز باشد.

کنترل شده (دامبرین و رابسون، ۲۰۱۱؛ مک لارن و اپل یارد، ۲۰۲۰) یا ممکن است میانجی افقی بیشتر در شبکه‌ای از انجمن‌ها (وسلمن، ۲۰۱۴؛ موریتسن و کرینر، ۲۰۱۶؛ منار و همکاران، ۲۰۱۷؛ ون ارپ و همکاران، ۲۰۱۹). در مورد دوم، این یک امر مستمر است سفر، در حالی که در اولی آژانس ارتباطی آن مقصدی دارد. به عنوان یک میانجی، حسابداری یک قدرت اجرایی در یک شبکه ناهمگن است. نمایندگی نداده خودش است، اما در ارتباط با بازیگران دیگر، یک عامل ارتباطی دارد.

حسابداری به عنوان یک عمل گفتمانی مادی هرگز مقصدی ندارد. درون عمل می‌کند با سایر شیوه‌های سازمانی در درون عمل یک عامل اجرایی وجود دارد. در اینجا، اجرا نویسی ندارد. این پیامد موقعیت‌های سوژه و موقعیت‌های ابژه معنادار (همیشه موقت) و مرزها و روابط بین آنهاست. می‌توان گفت که یک «اجرای قدرت» بدون تألیف (ویسر و دیویس، ۲۰۲۱) به طور پیوسته (دوباره) جهان را تشکیل می‌دهد.

در جدول ۱، مفاهیم مختلف حسابداری مربوط به عملکرد به عنوان مقصد و عملکرد به عنوان سفر در حال انجام است:

۳-۱ حسابداری به عنوان یک بیان (ضد) عملکردی

۳-۱-۱ بودکر، چونگ و موریتسن. بودکر و همکاران (۲۰۲۰) عملکرد یک رتبه بندی را بررسی می کند. رتبه بندی آنها بررسی سلامت دارایی های فکری برای سازمان های دولتی استرالیا است. مدیریت یک سازمان دولتی خاص از این دستگاه برای تبدیل سازمان از یک شرکت دارایی مشهود به یک شرکت دانش بنیان استفاده می کند. بودکر و همکاران (۲۰۲۰) عملکرد را بر اساس یک نتیجه مورد انتظار، یک مقصد مورد نظر مفهوم سازی می کند: یک شرکت دانش بنیان. نویسندگان دیدگاه مکنزی را پذیرفته اند که مدل های محاسباتی مانند رتبه بندی «موتورهای هستند که فعالیت های انسان را تغییر می دهند تا دوربین هایی که صرفاً کارهای انسان ها را ضبط می کنند» (بودکر و همکاران، ۲۰۲۰). این موتور توسط مدیریت سازمان به عنوان یک دستگاه معیار تشخیصی که عملکردهای سازمانی را شناسایی می کند و اجرای «استراتژی های مداخله» را برای ارتقای چنین عملکردی امکان پذیر می سازد، به کار گرفته شد. از نظر نویسندگان، عملکرد، قدرت موتور برای تولید بالا بردن عملکرد است؛ بنابراین، از نظر جدول ۱، انتظار می رود رتبه بندی یک بیان اجرایی باشد. این یک عمل محاسباتی مستقل با پتانسیل ساخت جهان در تصویر خود است، مشروط بر اینکه شرایط مناسب فراهم باشد. یافته های این مقاله حمل و نقل ناموفق یک طرفه از مبحث به مقصد را نشان می دهد و توضیح می دهد. رتبه بندی به مقصد مورد نظر خود نمی رسد. برعکس، آثاری ایجاد می کند که «ضد» یا مغایر با گفته های خود و مقاصد زیربنایی انسانی (مدیریتی) است. به این معنا، یافته ها نشان می دهند که یک اشتباه ضد عملی. رتبه بندی به جای پیشرفت، منبع اعتراض می شود. به قول نویسندگان: رتبه بندی «بر روی سر چرخانده شد، از دست مدیریت خارج شد و علیه آن ها استفاده شد» (بودکر و همکاران، ص ۱۸). با این حال، یافته ها نشان نمی دهند که چگونه اثرات به رتبه بندی نتیجه معکوس می دهند، یعنی چگونه رتبه بندی و اهداف زیربنایی آن تحت تأثیر عملکرد متقابل قرار می گیرند.

۳-۲ حسابداری به عنوان یک سخنرانی اجرایی

۳-۲-۱ رولینو و موریتسن. رولینو و موریتسن در مطالعه خود در مورد نوآوری ایتالیایی، "تله پاس" نشان می دهند که چگونه شیوه های محاسباتی موتورهای هستند که با الهام بخشیدن به آنها برای پرسیدن سؤالات جدید و دیدن فرصت های جدید، در جذب بازیگران به چیزهای جدید شرکت می کنند (رولینو و موریتسن، ۲۰۱۵). عملکرد، در این مطالعه، درجه قدرت موتور (عمل های محاسباتی) برای فریب دادن افراد به اعمالی است که عواقب آن ممکن است نزدیک تر یا دورتر از وعده های موتور باشد (۲۰۱۵، ص ۳۴). این مطالعه به صراحت نشان می دهد که چگونه روش های محاسباتی پایدار نیستند. در حالی که آنها نوآوری تولید می کنند، نوآوری نیز شیوه های محاسبه را (باز) تولید می کند. این یک امر جاری است فرآیند تعاملی شیوه های محاسباتی دانش را در مورد تأثیرات نوآوری بسیج می کند که باعث نوآوری بیشتر می شود، در حالی که به نوبه خود، نوآوری آثاری بر جای می گذارد که می تواند شیوه های محاسباتی جدیدی را توسعه دهد؛ بنابراین، مسیر نوآوری «رشته ای از انحرافات است که توسط عملکرد روش های محاسباتی بسیج شده اند» (رولینو و موریتسن، ۲۰۱۵، ص ۳۱). مطابق با مطالعه قبلی موریتسن، هنسن و هانسن (۲۰۰۹)، این مطالعه بر این تمرکز دارد که چگونه حسابداری به طور شگفت انگیزی فرآیند نوآوری را تقویت می کند. برعکس، فرآیند نوآوری به طور شگفت آور و غیرمنتظره ای بر موتور حسابداری تأثیر می گذارد و تغییر می دهد؛ بنابراین، حسابداری از طریق دانش در

مورد اثرات نوآوری تغییر می کند. به سازماندهی جهان کمک می کند اما پایدار نمی ماند. هم بسیج می شود و هم بخشی از رانش است.

در مقاله دیگری، رولینو و موریتسن (۲۰۱۷) مفهوم عملکردپذیری را به مفهوم تحریک پذیری باتلر مرتبط می کنند. آنها در مطالعه سال ۲۰۱۷ خود در مورد فرآیند نوآوری تله پاس، حسابداری را به عنوان نشانه های قابل استناد تصور می کنند. زمانی است که عمل محاسبه به دور از تولید اولیه خود به گردش در می آید، علائم حسابداری تحریک پذیری ایجاد می کند، زیرا اثراتی فراتر از قدرت استنادی نشانه های آن ایجاد می کند. ظاهراً عملکرد حسابداری در تحریک پذیری آن است. آثار عمل محاسباتی فراتر از مقاصد و کنترل ذهن محاسباتی است و از این نظر، حسابداری ثابت می کند که عملی است. عمل محاسباتی حسابداری یک حرکت فراگیر از نوآوری تله پاس را به حرکت در می آورد، حرکتی که وارد فضاهایی غیر از پیش بینی اولیه می شود. زنجیره ای از اقدامات با عواقب غیرمنتظره تولید می شود. به عنوان مثال: در نتیجه سرمایه گذاری در کالاهای عمومی تله پاس مانند ایمنی، روان بودن ترافیک، کاهش زمان سفر از نقطه ای به نقطه دیگر در بزرگراه توسعه یافت و برعکس، با جلوگیری از اجتناب از زمان رانندگان صرفه جویی کرد. صف ها و دادن آزادی حرکت به آنها (رولینو و موریتسن، ۲۰۱۷). عمل محاسباتی نشان داد که سفری باز را با امکان تغییر نشانه های حسابداری، برای انتقال معنای جدید از طریق حسابداری، طی می کند.

۲-۲-۳ بوسکو و کوآترونه. حسابداری ممکن است ظرفیت های اختراعی داشته باشد و نوآوری ایجاد کند (بوسکو و کوآترونه، ۲۰۱۸b) و کوآترونه مفهوم حسابداری را به عنوان یک "ماشین مایوتیک" در مقابل یک ماشین پاسخگویی توسعه می دهند و این مفهوم را با ارائه یک مطالعه موردی در مورد توسعه یک خط مد جدید نشان می دهند (بوسکو و کوآترونه، ۲۰۱۸a) ماشین مایوتیک به «روش سقراطی تولید دانش از طریق پرسیدن سؤالات» اشاره دارد و از یونانی قدیمی مایوتیک ها، مامایی مشتق شده است (بوسکو و کوآترونه، ۲۰۱۸a، ص. ۲). حسابداری به عنوان یک ماشین مایوتیک، جامعه را وادار می کند تا با وعده ای که هرگز محقق نشده است، سؤال پرسد. ماشین مایوتیک یک ماشین بلاغی است که اختراعات را از طریق "در تنش" مولد حفظ می کند. از این نظر، اگرچه نویسندگان خودشان این کار را انجام نمی دهند، می توانیم ماشین مایوتیک را به عنوان یک موتور اجرایی برچسب بزنیم. جلوه هایی ایجاد می کند، نه بازنمایی های پایدار. این ماشینی نیست که حرکات مکانیکی و قابل پیش بینی ایجاد کند، بلکه فکر و ماده را می سازد. این یک ماشین کتیه نویس است و به همین دلیل آن را به کاوش و بازجویی از چیزهایی که قابل مشاهده نیست دعوت می کند (بوسکو و کوآترونه، ۲۰۱۸a) انسان ها از طریق کتیه کردن، از یک سو، جهان سازمانی را به آنچه که حک شده است تقلیل می دهند، اما از سوی دیگر، جهان سازمانی را از طریق مداخلات و اختراعاتی که کتیه اجازه می دهد، توسعه می دهند؛ بنابراین، همانطور که بوسکو و کوآترونه (۲۰۱۸a) به طور متقاعدکننده ای استدلال می کنند و نشان می دهند، ماشین دو حرکت متضاد ایجاد می کند: کاهش و افزایش؛ بنابراین، عملکرد دستگاه کاملاً باز است. می تواند در هر جهت حرکت کند.

۳-۳ حسابداری به عنوان یک پیش گویی خودشکوفایی

۳-۳-۱ عزامل. اگرچه عزامل بر شکل گیری گفتمانی سوژه‌ها تمرکز نمی‌کند، اما از کار باتلر (۱۹۹۳، ۱۹۹۸) استفاده می‌کند. او به ویژه بر تکرار تأکید دارد: «به عنوان یک مجموعه عملکردی از شیوه های گفتمانی تکراری، آیین های حسابداری مولد هستند آثاری که نام می‌برند، تنظیم و مقید می‌کنند» (عزامل، ۱۳۸۸، ص ۳۵۳). به خصوص عزامل پیوند بین حسابداری و نظم در پادشاهی جدید (۱۵۵۲-۱۰۸۰ قبل از میلاد) را بررسی می‌کند. او به بررسی قدرت گفتمانی حسابداری در مصر باستان با ترکیب آن می‌پردازد متون زبانی و صحنه های تصویری در معماری برای تولید گفتمانی یادگاری که ساخت و تداوم یک طرح واره منظم را ممکن کرد. چنین طرحواره ای نظم ساخته شده در کیهان، روی زمین و در جهان پایین. شاید بتوان گفت که بر جهان حکومت می‌کرد.

۳-۳-۲ بیکر و مدلل. بیکر و مدلل (۲۰۱۹) عملکرد مفاهیم جدید مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) را مطالعه می‌کنند. با اتخاذ موضع رئالیست‌های انتقادی، آنها اصرار دارند که اثرات اجرایی همیشه مشروط به واقعیت‌های موجود مانند واقعیت‌هایی هستند که در ساختارهای اجتماعی دیرپای آشکار می‌شوند. تجزیه و تحلیل تجربی آنها توجه را به دو ساختار اجتماعی از قبل موجود جلب می‌کند که به شکل چرخه های هنجار (مربوط به خواسته های مشتری و حقوق کار) هستند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که یک مفهوم جدید از CSR ممکن است، در یک زمینه خاص، به یک پیش‌گویی خودشکوفایی تبدیل شود، اما تنها زمانی که این دو شرط مرزی وجود داشته باشند. اگرچه آنها آماده نیستند تا آنجا که فلین و فاس (۲۰۰۹) استدلال کنند که مفاهیم جدید CSR تنها در صورتی عملی می‌شوند که واقعیت‌های نسبتاً تغییرناپذیری را که ذاتاً برای چنین مفاهیم جدیدی خوشایند هستند، تقویت کنند، آنها به دنبال شرایط مرزی ساختاری هستند CSR برای تحقق خود در محل.

۳-۳-۳ قدرت. پاور (۲۰۲۱) مک‌کنزی را در مدل‌سازی «مبانی خرد» حسابداری عملکرد (و به طور کلی‌تر، مسیر حسابرسی) بسیج می‌کند. او مدلی را توسعه می‌دهد که چگونه گرایش به حسابداری عملکرد ممکن است به طور جمعی تحقق یابد و چگونه، در نتیجه آن، ارزش های حرفه ای با ارزش های دیگر، به ویژه ارزش های بازار جایگزین شوند. با ترسیم مکنزی، مدل سه مرحله را متمایز می‌کند. در مرحله اول، عملکرد عمومی وجود دارد: حسابداری عملکرد فقط به معنای ضعیف عملکردی است. بازیگران صرفاً حسابداری عملکرد جدید را به دلیل فشار نهادی اتخاذ می‌کنند (تطبیق مطابق با آن) اما در مقابل آن نیز مقاومت می‌کنند. در مرحله دوم، حسابداری عملکرد از طریق تکرار و روتین کردن حسابداری عملکرد به طور مؤثری عملی می‌شود. مقاومت ضعیف‌تر می‌شود زیرا بازیگران انتخاب زیادی جز برآورده کردن الزامات ندارند. مرحله سوم با تقویت مشخص می‌شود زیرا بازیگران سازمانی الزامات حسابداری عملکرد را درونی می‌کنند. عملکرد به معنای بارنزی وجود دارد: حساب های عملکرد به عنوان نمایانگر یک حقیقت سازمانی درک می‌شوند.

اساساً، مدل پاور یک پیش‌گویی خودشکوفایی را توضیح می‌دهد. عملکرد در تکرار، روتین سازی و درونی سازی حسابداری عملکرد قرار دارد. با این حال، مفهوم‌سازی عملکرد به عنوان مکانیزمی در یک پیش‌گویی خودشکوفایی، به

اندازه کافی برای نشان دادن اینکه چگونه حسابداری عملکرد در تولید بیشتر واقعیت نقش دارد، پیش نمی‌رود. موفقیت یا شکست را فقط بر اساس باورها توضیح می‌دهد. کالن احتمالاً مخالف است که این در مورد عملکرد است، همانطور که او ادعا می‌کند (کالون ۲۰۰۷، ص. ۱۷) در حالی که مفهوم یک پیشگویی خودشکوفایی موفقیت یا شکست را فقط بر اساس باورها توضیح می‌دهد، مفهوم عملکرد فراتر از ذهن انسان است؛ و تمام مادیات شامل عوامل اجتماعی-فنی که دنیایی را که این عوامل در آن غوطه ور هستند را به کار می‌گیرد: عملکرد امکان رخدادهایی را باز می‌گذارد که ممکن است رد کنند یا حتی مستقل از آنچه که انسان‌ها معتقد هستند یا فکر می‌کنند اتفاق بیفتند (کالون، ۲۰۰۷، ص. ۱۷).

۳-۳-۴ روف. در مطالعه خود در مورد عملکرد دستگاه‌های تأثیرگذار برای ارزیابی تأثیر اجتماعی یک سازمان (چارچوب‌های منطقی، کارت‌های امتیازی متوازن و نقشه‌های تأثیر بازده اجتماعی بر سرمایه‌گذاری)، روف (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که چگونه چنین دستگاه‌هایی فناوری‌های خنثی و بی‌علاقه نیستند، بلکه چگونه هستند. شکل فیزیکی-بصری آن‌ها به‌طور عملکردی سوگیری‌های سخت‌افزاری را در ارزیابی‌های تأثیر اعمال می‌کند. در حالی که راف یادداشت می‌کند ممکن است ادامه داشته باشد اثرات اجرایی (عملکرد به عنوان یک سفر در حال انجام) او فقط عملکرد اولیه را به عنوان مقصد بررسی می‌کند. دستگاه‌ها با گفتمان‌های خاصی در مورد اینکه چه چیزی معقول و قابل گفتن است، سخت‌گیر شده‌اند؛ بنابراین، اگرچه عملکرد چنین دستگاه‌هایی ممکن است مستلزم یک پیش‌گویی کامل خودکامه نباشد، اشتباه است که فکر کنیم وقتی یک دستگاه به طور صادقانه به کار می‌رود، اندازه‌گیری دقیق‌تری از تأثیر ایجاد می‌کند. این امر معنایی را که در خود دستگاه تعبیه شده است نادیده می‌گیرد. همانطور که راف ادعا می‌کند، یکی از مفاهیم این است که اندازه‌گیری ضربه با دستگاه‌های متعددی بهتر انجام می‌شود.

۳-۴ حسابداری به عنوان یک چارچوب سرریز

۳-۴-۱ تمسن و شربرک. تمسن و شربرک (۲۰۱۸) پویایی بلندمدت را در میان یک چارچوب مدیریت ریسک با بهترین عملکرد بررسی می‌کنند. آنها نشان می‌دهند که گفتمان به‌عنوان چارچوب، یعنی مجموعه دانش مؤسسه مدیریت پروژه (PMBOK)، مرزهای اشکال عدم قطعیت‌هایی را که به‌عنوان ریسک پذیرفته و گنجانده شده‌اند، تعیین می‌کند. آن‌ها ریسک‌های پذیرفته‌شده و شامل ریسک‌های خالص و ریسک‌های حذف شده پس از عدم توافق را ریسک‌های ناخالص می‌نامند. آن‌ها سپس نشان می‌دهند که ساخت ریسک‌های ناخالص، پیش‌بینی‌های چارچوب را به چالش می‌کشد که باعث ایجاد حس امنیت کاذب برای اهداف پروژه می‌شود و اینکه تنظیم مجدد مداوم فناوری‌ها برای اطمینان از تحقق بلندمدت این پیش‌بینی‌ها ضروری است.

برای نشان دادن عملکرد PMBOK، نویسندگان مفاهیم درهم تنیده کالن را از قاب‌بندی و سرریز کردن بسیج می‌کنند (کالون، ۱۹۹۸). عملکرد PMBOK به ویژه در سرریز است. مشاوران ریسک، هر چند به طور موقت، جریان مکرر سرریزهایی را که به وجود آمد، در بر داشتند. این امر مستلزم سرمایه‌گذاری‌های پرهزینه‌ای بود که از طریق آن آنها موفق شدند به طور موقت پیش‌بینی‌های PMBOK را مجدداً واقعی کنند. این کار از PMBOK جلوگیری کرد.

برای نشان دادن عملکرد PMBOK، نویسندگان مفاهیم درهم تنیده کالن را از قاب‌بندی و سرریز کردن بسیج می‌کنند (کالون، ۱۹۹۸). عملکرد PMBOK به ویژه در سرریز است. مشاوران ریسک، هر چند به طور موقت، جریان مکرر سرریزهایی را که به وجود آمد، در بر داشتند. این امر مستلزم سرمایه‌گذاری‌های پرهزینه‌ای بود که از طریق آن آنها موفق شدند به طور موقت پیش‌بینی‌های PMBOK را مجدداً واقعی کنند. این کار از PMBOK جلوگیری کرد.

۳-۴-۲ فالكونبريج و موزيو. با اشاره به دآدريو و همكاران. (۲۰۱۹)، فالكونبريج و موزيو (۲۰۲۱) عملکرد يك گفتمان به عنوان چارچوب (يك دستگاه محاسباتي عمومي) را به عنوان يك فرآيند ديناميكي غير خطي تصور مي‌كنند. دستگاه محاسباتي عمومي كه آنها مطالعه مي‌كنند PEP است. "سود به ازاي هر شريك سهام" كه در حرفه حقوقي انگليسي استفاده مي‌شود. اساساً، اين مقاله يك "ارتباط مشروعيت-عملكردي" پويا را از محيط تجربي ثوري مي‌كند. نويسندگان با پيوند دادن مفهوم عملكردپذيري به مشروعيت، منشأ عملكردپذيري را در مقاصد تعيين شده در دستگاه توسط طراحان آن نمي‌دانند، بلكه در مطلوبيت و تناسب ابزار محاسبه در يك سيستم هنجارهاي ساخته‌شده اجتماعي، قرار مي‌دهند. ارزش‌ها، باورها و تعاريف نويسندگان استدلال مي‌كنند و نشان مي‌دهند كه با توسعه مشروعيت دستگاه، عملكرد آن قوي‌تر مي‌شود، اما در نهايت به عملكرد ضد دستگاه بدل مي‌شود به اين معنا كه مشروعيت آن تضعيف مي‌شود. بسياري از استراتژي‌ها و شيوه‌هاي PEP محور، معكوس و مشكل‌ساز مي‌شوند؛ بنابراين، عملكرد متقابل صرفاً يك خطا نيست، بلكه يك نتيجه معكوس است زيرا بر مشروعيت PEP تأثير منفي مي‌گذارد. نويسندگان نتيجه مي‌گيرند كه يك پارادوكس در بازي وجود دارد: «مشروعيت فزاينده PEP توليد مي‌كند و در ابتدا با عملكرد آن تداوم مي‌يابد، اما در نهايت عملكرد بارنزي موجب ضدعملكردي مي‌شود كه به نوبه خود مشروعيت آن را تضعيف مي‌كند» (فالكونبريج و موزيو، ۲۰۲۱، ص. ۱۴).

۳-۵ حسابداری به عنوان یک آژانس ارتباطی کنترل شده

۳-۵-۱ مک‌لارن و اپل یارد. مشابه بودکر و همکاران (۲۰۲۰) مک‌لارن و اپل یارد (۲۰۲۰) عملکرد یک رتبه‌بندی را مطالعه می‌کنند. با این حال، آنها رتبه‌بندی را به عنوان یک عمل محاسبه نمی‌دانند، بلکه به عنوان یک بازیگر تصور می‌کنند. آنها عملکرد BBFAW: معیار تجاری در رفاه حیوانات مزرعه را مطالعه می‌کنند. چنین عملکردی، در عبارات آنها، پتانسیل BBFAW برای تبدیل شدن به معیار FAW است (ص. ۵۱). همانطور که نویسندگان بیان می‌کنند، «اگر سیستم‌های حسابداری داخلی تغییر کنند، عملکرد کامل BBFAW وارد عمل می‌شود. BBFAW بخشی از مجموعه اطلاعات مورد استفاده برای تصمیم‌گیری (از جمله برای منابع) می‌شود تخصیص و یا اگر رفتار و شیوه‌های پیرامون رفاه حیوانات مزرعه را تغییر دهد شرکت‌ها و تامین‌کنندگان آنها» (مک‌لارن و اپل یارد، ۲۰۲۰، ص ۳۸).

نویسندگان به طور خاص بر آنچه که آنها «ویژگی‌ها» می‌نامند تمرکز می‌کنند عملکردی رخ دهد. برای گفتن آن به زبان آستینی: شرایط سعادتمند چیست؟ یکی از این شرایط، به وجود آمدن شبکه‌های مناسب است. سیاستگذاران باید از اهمیت شبکه‌سازی مناسب بین سازندگان رتبه‌بندی، ذینفعان مانند سرمایه‌گذاران، مشتریان و تامین‌کنندگان و بازیگران علمی آگاه باشید؛ بنابراین، اگرچه از نظر نویسندگان، عملکردپذیری یک مقصد است، اما آنها آن را در قالب

فرآیندی به عنوان رابطه ای و پویا تعریف می کنند. برای رسیدن به مقصد، شبکه روابط باید مشروط و هدایت شود. باید توسط سازندگان رتبه بندی تنظیم شود. مقصدی وجود دارد، اما ورود مشروط به شبکه اطراف BBAW است که بازیگران با آن ارتباط دارند. در طول راه، مبلمان رتبه بندی ممکن است (باید) تغییر کند.

۳-۵-۲ دامبرین و رابسون. دامبرین و رابسون که ریشه در کار اولیه رابسون (۱۹۹۱، ۱۹۹۲) دارند، عملکرد را در کتبیتهای حسابداری "معیب" مطالعه می کنند (دامبرین و رابسون، ۲۰۱۱). کتبیته ترجمه متنی مادی از هر محیطی است، مانند متون نوشته شده، جداول و نمودارها، اعداد، فهرست ها و غیره که باید بر اساس آن عمل کرد (لاتور، ۱۹۸۷؛ کو و کوپر، ۲۰۱۱). همانطور که لاتور (۱۹۹۹، ۱۹۸۷) بیان می کند، کتبیته ها اشکال یک شی هستند (در این مورد یک نماینده مواد مخدر در حال اجرا) که می تواند سفر کند. فن آوری های حسابداری توانایی ثبت را دارند، بنابراین یک مرکز محاسباتی به عنوان مثال ستاد مرکزی را قادر می سازد تا کنترل را از راه دور اعمال کند. نکته جالب در مطالعه دامبرین و رابسون این است که کتبیته ها ناقص هستند، زیرا زنجیره ترجمه از ماده (فروش دارو توسط نمایندگان دارو به پزشکان) به شکل (کتبیته) قابل برگشت نیست. نسخه پزشکان از داروهایی که باعث فروش به شرکت داروسازی می شود، به دلیل مقررات اجتماعی برای دفتر مرکزی مخفی مانده است؛ بنابراین وقفه هایی در کنترل عملکرد تکرارهای مواد مخدر از راه دور وجود دارد. با این وجود، کتبیته های ناقص موفق عملی هستند، زیرا همانطور که دامبرین و رابسون (۲۰۱۱) نشان می دهند، آنها در ایجاد و حفظ تعهد نمایندگان دارو به شرکت داروسازی و کنترل عملکرد نمایندگان دارو از راه دور موفق هستند. ظاهراً کتبیته های معیوب به مقصد می رسند: کنترل از راه دور. با این حال، چنین کنترلی هرگز بی مشکل نمی شود. استفاده از نوشته های حسابداری به عنوان وسیله ای برای کنترل تضمین نمی کند که کنترل کننده بتواند نتایج فرآیند را با قطعیت پیش بینی کند (همچنین رجوع کنید به لو، ۲۰۰۱). دامبرین و رابسون (۲۰۱۱) توضیحات متنی برای عملکرد کتبیته های معیوب ارائه می دهند.

۳-۶ حسابداری به عنوان یک واسطه

۳-۶-۱ موریتسن و کرینر. موریتسن و کرینر در مورد عملکرد حسابداری به عنوان مکانیزمی که «جهان را می سازد» (موریتسن و کرینر، ۲۰۱۶) به روش های غیرمنتظره صحبت می کنند. آنها چنین مکانیزمی را با پیشرفت یک تصمیم مرتبط می دانند که آن را یک وعده می دانند. تحقق تصمیم که بر اساس یک نظم زمانی اتفاق می افتد، ممکن است از طریق مسیرهای مختلفی که حسابداری در آن مشارکت دارد به چالش کشیده شود و چنین چالش هایی ممکن است منجر به سرمایه گذاری های اضافی شود؛ بنابراین تصمیم گیرندگان باید ببخشند و فراموش کنند. از نظر جدول ۱، تصمیم یک تدابیر اجرایی است و حسابداری بازیگری است که در چنین عملکردی واسطه می شود. در نتیجه، پیامدهای واقعی غیرمنتظره ای از تصمیم وجود دارد.

۳-۶-۲ ووسلمن. چندین مطالعه حسابداری شواهدی را نشان می دهد که حسابداری در ایجاد و حفظ اقتصاد میانجیگری می کند. در شکل افراطی، عملکرد اقتصاد ظرفیت مولد علم اقتصاد برای چارچوب بندی «همو اکونومیکوس» و آن را با «پروتزهایی که در محاسباتش به او کمک می کنند و عمدتاً توسط علم اقتصاد تولید می شوند» مجهز کنید (کالون،

۱۹۹۸، ص ۵۱). این اقتصاددانان و نه انسان ها نیستند که همو اکونومیکوس را تولید می کنند، بلکه پویایی در مجموعه های ناهمگن هستند؛ بنابراین، عملکرد اقتصاد یک قانون رابطه ای است. ثابت می کند که حسابداری در اجرای اقتصاد در "عملیات" فنی-اجتماعی واسطه می شود. ووسلمن (۲۰۱۴) مطالعاتی را مرور می کند که به طور قانع کننده ای نشان می دهد که چگونه حسابداری، به درجات مختلف، در وارد کردن اقتصاد به زندگی عمل می کند (کریستنسن و اسکرییک، ۲۰۰۷؛ رابرتز و جونز، ۲۰۰۹؛ وولمر، منیکن و پردا، ۲۰۰۹؛ اسکیروگستک و ۲۰۰۹، اسکریگستک و ۲۰۰۹؛ کوشن، ۲۰۱۳). اخیراً، وارن و سیل نشان می دهند که چگونه مدل جریان نقدی تنزیل شده، مذاکرات بین بازیگران را حول روایت های صرفه جویی، بازاریابی و مالی سازی در صنعت تنظیم شده تولید برق چارچوب می دهد (وارن و سیل، ۲۰۱۸).

۳-۶-۳ ون ارپ، روزن و وسلمن. در حالی که فالكونبریج و موزیو (۲۰۲۱) عملکرد را به مشروعیت مرتبط می دانند، ون ارپ و همکاران. (۲۰۱۹) عملکرد را به عملکرد مرتبط می کند. در مقابل عملکرد، آنها عملکرد را به عنوان یک مقصد تصور نمی کنند، بلکه به عنوان سفری که ممکن است به مکان های غیرمنتظره ای ختم شود. آنها بر روی عملکرد یک سیستم حسابداری و کنترل مدیریت MAC تمرکز می کنند، زیرا در یک سازمان مراقبت های بهداشتی شامل خانه های سالمندان و خانه های سالمندان طراحی شده است. MAC به طور هدفمند توسط بخش مالی و کنترل طراحی شده است و در نظر گرفته شده است که برای اهداف پشتیبانی تصمیم و کنترل کاربردی باشد. در این مطالعه، عملکرد صراحتاً به این نیست که چگونه طراحی در تحقق عملکردهای مورد نظر خود (غیر) موفق است. نویسندگان تاکید می کنند که عملکرد می تواند در هر جهت پیش برود؛ بنابراین، ممکن است به این نتیجه برسیم که این مطالعه سفر یک طرح را به عنوان یک سخنرانی اجرایی بررسی می کند. سفری با مقاصد غیرقابل پیش بینی طرح اصلی به عنوان یک بازیگر دوباره مفهوم سازی شده است. فرآیند اجرایی در شبکه بازیگر MAC است. این یک اجرای رابطه ای با نتایج متنوع است که همیشه موقتی هستند. ثابت شده است که طراحی MAC دارای پیامدهای دینامیکی غیرمنتظره است که به طراحی MAC نیز نتیجه معکوس می دهد. به تدریج، MAC به یک "چند شی" (مول، ۲۰۰۲) در فضای شبکه تبدیل می شود. بیش از یک MAC وجود دارد.

اگرچه این مطالعه عملکرد را از عملکردی متمایز می کند، همچنین نشان می دهد که عملکرد و عملکرد به طور دقیق از هم جدا نیستند. نویسندگان مشاهده می کنند که عملکرد حسابداری در تلاشی هدفمند برای بازنمایی و مداخله از فواصل زمانی و مکانی است.

۳-۶-۴ منار، ووسلمان، ون وین دیرکس و ظهیرالحسن. منار و همکاران (۲۰۱۷) عملکرد یک قرارداد و ساختارهای کنترلی گنجانده شده را در یک رابطه بین شرکتی مطالعه کرد. در مطالعه آنها، عملکرد یک مقصد نیست. نه تحقق بندهای قرارداد و نه مقاصد پشت قرارداد. عملکرد قرارداد به مکان های غیرمنتظره ای منجر می شود. قرارداد به روش های غیرمنتظره انجام شد. اگرچه به هیچ وجه فعالیت های روزمره طرف های درگیر را هدایت نمی کرد، اما صرف وجود آن، طرفین را مجبور می کرد تا این رابطه را عملی کنند و وارد فرآیند قرارداد مجدد شوند. فرآیند انعقاد مجدد قرارداد

منجر به قرارداد جدیدی شد که مبنایی برای شبکه ناهمگنی ایجاد کرد که ویژگی های اعتماد به آن اختصاص داده شد و در آن رابطه ایجاد شد. عملکرد یک سفر مداوم بود.

۳-۷ حسابداری به عنوان یک روش استثنایی

در حالی که در رشته‌هایی مانند فلسفه و MOS عملکرد قبلاً در شیوه‌های انحصاری قرار گرفته است، بنابراین یک درک بارادی پسانسان گرا ارائه می‌کند، رشته حسابداری عمدتاً ساکت بوده است. برای نشان دادن اهمیت چنین درکی، در آنچه در ادامه می‌آید، از دو مقاله منتشر شده در مجلات MOS، یعنی کیورز و همکاران استفاده می‌کنم. (۲۰۱۲) و اورلیکوفسکی و اسکات (۲۰۱۴).

۳-۷-۱ کیورز، ترلیون، سایکس و دارسی. به عنوان یک نمونه اولیه از دیدگاه بارادی از اندازه گیری عملکرد، کیورز و همکاران انجام یک مطالعه خرد در عملکرد پیامدهای معرفی یک دستگاه جدید اندازه گیری عملکرد با عنوان "پاسخگویی مبتنی بر نتایج (RBA)" در سازمانی برای مراقبت از جوانان (کیورز و همکاران، ۲۰۱۲). کارگران در سازمان تمرین RBA را به عنوان یک تمرین از یک فضا تجربه نمی‌کنند فاصله و فاصله زمانی؛ بلکه به یک عمل در تمرین مراقبت از جوانان تبدیل می‌شود؛ مانند کیورز و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که ظهور و تبدیل RBA در دستگاه مراقبت و بازسازی موقعیت های معنادار برای اشیا (کامپیوتر، نرم افزار) و افراد (کارگران جوان، جوانان، سرپرستان) و روش های قانونی جدید کار که پیامدهای آن است، بدون تنش نیست. در جوانان جنوب، یک سازمان محلی مبتنی بر محلی که طیف جامع و یکپارچه ای از خدمات اسکان، پشتیبانی و حمایت را برای جوانان بی خانمان و آسیب پذیر و خانواده های آنها ارائه می‌دهد، RBA با اقدامات مراقبتی وارد عمل می‌شود. گرچه نویسندگان برنامه RBA، فریدمن و هندلی (۲۰۰۸)، اکیداً توصیه می‌کنند که مسئولیت پذیری و اندازه گیری عملکرد همانطور که در RBA گنجانده شده است از ارائه خدمات جدا شود و بنابراین RBA را به عنوان یک دستگاه مدیریت عملکرد که جدا از ارائه خدمات به جوانان و خانواده های آنها، RBA قطعاً در فاصله زمانی-مکانی از تمرین مراقبت از جوانان قرار نمی‌گیرد. این دستگاه به دستگاهی تبدیل می‌شود که آنچه را که در اقدامات مراقبتی گنجانده شده و از اهمیت آن حذف شده است، دوباره پیکربندی می‌کند. سیستم حسابداری رایانه ای جدید مدیریت پرونده و پاسخگویی مبتنی بر نتایج که با RBA ارائه شد و به عنوان یک «چشم الکترونیکی» عمل کرد، موقعیت های موضوع و موضوع را که معنادار می‌دانستند، دوباره پیکربندی کرد و روش های قانونی کار را تغییر داد. نهاد تأمین مالی «همیشه حاضر» (از طریق صفحه رایانه) روش های جدیدی را برای کار در مراقبت از جوانان حک کرد. چشم الکترونیکی بخشی از درهم تنیدگی یا دستگاهی شد که مراقبت از جوانان را تولید می‌کرد. تأثیر قابل توجهی بر روی شیوه های مراقبت روزانه داشت. باعث تنش شد، اما مقاومت اگر نگوییم غیرممکن بود، سخت بود. به ویژه، زمان موجود برای ایجاد «احساس تعلق» و توسعه مهارت های جوانان را به عنوان مبنایی برای حفظ تغییرات زندگی آنها کاهش داد. چنین پایداری مورد توجه «چشم الکترونیکی» قرار نگرفت، زیرا در سال های آینده آشکار نخواهد شد.

۳-۷-۲ اورلیکوفسکی و اسکات. اورلیکوفسکی و اسکات (۲۰۱۴) نشان می دهند که چگونه ارزش گذاری می تواند به روش های مختلف اجتماعی اعمال شود و چگونه مواد اجتماعی مختلف حسابداری متفاوتی را ایجاد می کنند. آنها دو دستگاه را در مقابل یکدیگر قرار می دهند: یک دستگاه ارزش گذاری فرمولی و یک دستگاه ارزش گذاری الگوریتمی. اولین رتبه بندی ستاره ای از هتل ها را از طریق راهنمای هتل AA ایجاد می کند. این توسط انجمن خودرو (AA) آغاز و اجرا می شود و شامل استانداردهای رسمی، معیارهای عینی و تخصص آموزش دیده است، در حالی که در میان دیگران، نظر مصرف کننده در مورد عملکرد هتل را حذف می کند. دومی یک پلت فرم رسانه اجتماعی مبتنی بر اینترنت است که شاخص محبوبیت هتل ها را تولید می کند، نه رتبه ای که از طریق راهنمای مرجع هتل ارسال می شود. توسط تریپ ادوایزر راه اندازی و اجرا می شود و مراحل گام به گام را برای حل مشکلات خاص تعیین شده توسط طراحان نرم افزار اجرا می کند. اقدامات در این دستگاه ها شامل «نظر مصرف کننده باز، تجمع محتوا، پارامترهای انعطاف پذیر و معیارهای قابل برنامه ریزی مجدد در حالی که طبقه بندی های حرفه ای و اقدامات رسمی را حذف می کند» (اورلیکوفسکی و اسکات، ۲۰۱۴، ص ۸۸۷) است. ارزش گذاری به عنوان یک عمل گفتمانی مادی (یک دستگاه)، صرفاً با واقعیت جداگانه ای مواجه نمی شود که منفعلانه در انتظار دلالت است. هیچ مرز دقیقی بین عملکرد سازمانی و ارزیابی چنین عملکردی وجود ندارد. عملکرد و ارزش گذاری آن در هم پیچیده است. اورلیکوفسکی و اسکات (۲۰۱۴) به بررسی این موضوع می پردازند که چگونه دو دستگاه ارزش گذاری واقعیت های بسیار متفاوتی را به نمایش می گذارند. آنها موقعیت های معناداری متفاوتی را برای هتل ها، هتلداران، مسافران و آثار باستانی ایجاد می کنند. دستگاه AA هتل دارانی را تولید می کند که به دنبال استانداردهای AA برای برتری هتل هستند و احتمالاً از آنها فراتر می روند و مهمانان آرام هتلی را تولید می کند که از رفتار مناسب در موارد مختلف اطلاع دارند. هتل های دارای رتبه از سوی دیگر، دستگاه ارزشیابی تریپ ادوایزر هتلداران توجهی را تولید می کند که احساس می کنند تحت نظارت مستمر هستند و تمرکز بسیار کوتاه مدتی بر ارائه خدمات به مشتریان و نوآوری خدمات مستمر دارند. از نظر هتلداران، کوئست ها به بازیگران بالقوه تبدیل می شوند. مهمانان یک موقعیت مرکزی دریافت می کنند و کارشناسان حرفه ای مستثنی هستند. در نهایت، دو دستگاه ارزش گذاری، پدیده های مختلف سفر را تولید می کنند؛ یعنی عملکرد متفاوتی دارند. این شیوه ها شامل و حذف های خاصی را مشخص می کنند.

۴- ارتقاء درک پسانسان گرایانه از عملکرد حسابداری

رویکرد بارادیان پسانسان گرا به عملکرد حسابداری بر این سوال تمرکز دارد که چگونه نهادهای بامعنا (اعم از انسانی و غیرانسانی) و مرزها و روابط بین آنها، از طریق فعالیت درونی در درهم تنیدگی شیوه های حسابداری با سایر سازمان ها به وجود می آیند. تمرینات این به وجود آمدن (و شاید مهمتر از آن) محرومیت از به وجود آمدن است که باید بررسی شود. این یک کاوش در ساخت (اجتماعی) یک سیستم حسابداری نیست، زیرا این امر به معنای تمایز از پیش تعیین شده بین انسان ها (مفسران، طراحان) و غیرانسان ها (سیستم های حسابداری) است. همچنین کاوش مکانیزم سازنده در ارتباط بین انسان ها، حسابداری به عنوان یک کنشگر غیرانسانی و سایر بازیگران غیرانسانی نیست، زیرا این نیز حاکی از یک

دوتایی از قبل موجود بین انسان و غیر انسان است [۶]. این اکتشاف مکانیسم‌های درون‌فعالی بین رویه‌های حسابداری و سایر شیوه‌ها است، مکانیسم‌هایی که از طریق آن موقعیت‌های معنادار برای انسان‌ها و غیرانسان‌ها و مرزها و روابط بین آنها به صورت محلی و موقت افشا می‌شود. چنین کاوشی از مکانیسم‌های درون‌فعال، کاوشی در عملکرد-عملکرد (ویسر و دیویس، ۲۰۲۱) یا عملکرد هستی‌شناختی است [۷]. این نه تنها آنچه را که به ماده می‌آید (به هر دو معنای کلمه) بلکه (و مهمتر از همه) آنچه را که به ماده نمی‌آید آشکار می‌کند. آنچه را که ساکت می‌ماند، آشکار می‌کند. آنچه از اهمیت مستثنی می‌شود. به طور خلاصه: یک کاوش پسانسان گرایانه نشان می‌دهد که چگونه حسابداری یک عمل مرزبندی استثنایی است.

قدرت کارایی بدون تألیف است. به عاملی متصل است که نه در انسان بلکه در درون کنش‌ها قرار دارد. توجه به این نکته ضروری است که این به معنای رد وجود انسان نیست. انسان‌ها وجود دارند و قطعاً از مسئولیت و پاسخگویی رها نمی‌شوند. فقط این است که آنها بر درون کنش‌ها به عنوان موجودیت‌های معنادار خوددار مقدم نیستند، بلکه به طور معناداری در درون کنش‌ها به وجود می‌آیند. آنها در درون کنش‌ها به عنوان موجودات درهم تنیده در شدن خود دخالت دارند. یا همانطور که ایترونا (۲۰۱۳) می‌گوید، به عنوان موجودیت‌های "هستی شناختی باز". به عنوان مثال، آنها بخش‌های درهم تنیده‌ای از رویه‌های حسابداری هستند که از طریق آنها خط مشی‌ها، روش‌ها، فناوری‌ها و زیرساخت‌ها توسعه می‌یابند. عناصر درهم تنیده رویه حسابداری (که یک «دستگاه حسابداری» را تشکیل می‌دهند) عمل حسابداری را تحقق می‌بخشد، جایی که ماده هم ماهیت انسانی و هم غیرانسانی دارد. آنها شرایط احتمالی را برای عملکرد حسابداری ایجاد می‌کنند. حسابداری به عنوان یک عمل عملاً عملی می‌شود، از طریق تعامل با سایر شیوه‌ها، برای مثال شیوه‌های مهمان‌نوازی یا شیوه‌های مراقبت از جوانان؛ که تبدیل به یک عمل مرزبندی استثنایی می‌شود. چنین عملکردی به صورت محلی و موقت به موقعیت‌های معنادار برای انسان و غیر انسان و مرزها و روابط بین آنها منجر می‌شود؛ بنابراین، انسان‌ها هم در درون هستند و هم پیامد درون کنش‌های اجرایی.

به عنوان یک مرز استثنایی عمل حسابداری بی‌گناه نیست. یک «اخلاق اهمیت دادن» [۸] (باراد، ۲۰۰۷، ص ۳۶) در عمل حسابداری وجود دارد، زیرا جهان را به شیوه‌ای معنی‌دار خاص مادیت می‌کند و در نتیجه تحقق‌های جایگزین را حذف می‌کند؛ بنابراین حسابداران و مدیران باید در قبال وجود هستی شناختی پاسخگو باشند دستگاه حسابداری، برای تعهدات و اثرات اجرایی آن (مسر، ۲۰۱۹) برای استدلال مشابه در مورد شیوه‌های علمی پاسخگویی برای هستی شناختی آن وجود و پیامدهای اجرایی آن شامل مسئولیت‌پذیری در قبال حذف یا "سکوت" (ولمر، ۲۰۱۹) که دستگاه حسابداری تولید می‌کند. مطالعات پسانسان گرایانه می‌تواند به‌ویژه به چنین سکوت‌هایی گوش دهد و به محرومیت‌ها اشاره کند، بنابراین اصرار بر آن دارد حسابداری در واقع یک عمل اخلاقی-سیاسی است. آنها پتانسیل موقعیت الف را دارند دیدگاه مثبت از یک رویه حسابداری به عنوان یک نگرانی اخلاقی این مهم است، زیرا شیوه‌های حسابداری که به تعبیر هاروی (۱۹۸۸، ص ۵۸۱)، «ادعای قدرت دیدن و دیده نشدن، نشان دادن در حالی که از نمایندگی فرار می‌کنند»، دانش‌سازی غیرمسئولانه و غیراخلاقی است. از منظر پسانسان گرا، اخلاق در عمل حسابداری است و نه

صرفاً در هنجارها و قواعد مدون رفتار اخلاقی انسانی؛ بنابراین، مطالعات پسانسان گرایانه ممکن است ماهیت غیر معصومانه حسابداری را آشکار کند (به جای انتقاد ساده).

یک رویکرد پژوهشی پسانسان گرایانه به عملکرد، حسابداری را بر سر راه خود قرار می دهد. در حالی که از دیدگاه اومانستی و بازنمود گرایانه، انسان ها انسان های دیگر را بر اساس اطلاعات حسابداری به حساب می آورند، از دیدگاه پسانسان گرایانه، شیوه های حسابداری فراتر از انسانی (به معنای وسیع کلمه، از جمله ارزش گذاری، سنجش عملکرد، رتبه بندی) به حساب احضار می شوند. پسانسان گرایی صرفاً هدف بازنمود گرایانه عمل حسابداری را رد نمی کند، اما سکوتی را که با آن همراه است نیز به سادگی نمی پذیرد (ولمر، ۲۰۱۹). یک گزارش پسانسان گرایانه صرفاً یک نقد یا ساختارشکنی فلسفی از موضع بازنمود گرایانه حسابداری نیست. تحقیقات باید نشان دهد که چگونه در درهم تنیدگی عملکرد حسابداری با سایر رویه ها، چیزها از اهمیت حذف می شوند (به هر دو معنای کلمه)، برای مثال در مراقبت از جوانان که با مسئولیت پذیری مبتنی بر نتایج درگیر می شود. باید نشان دهد که چگونه چنین حذفی صرفاً جدایی ریشه ای نیست، بلکه در فرآیندهای «تفاوت غیر دودویی» است که باراد آن را می نامد (باراد، ۲۰۱۴). پاسخگویی مبتنی بر نتیجه در مطالعه کیورز و همکاران (۲۰۱۲) صرفاً کارکنان مراقبت از جوانان را (افرادی که بر اساس شاخص های عملکرد عملکرد خوبی دارند) از کارکنان مراقبت از جوانان که به رفاه جوانان متعهد هستند جدا نمی کند. درون کنش اجرایی مستلزم ایجاد مرزهای دقیق بین «حرفه های مجری» و «متخصصان متعهد» نیست، بلکه مستلزم پراش است. پراش چیزی است که در تعامل روزانه بین عمل حسابداری و سایر رویه های سازمانی شکل می گیرد. در مجموعه ای از شیوه های پاسخگویی مبتنی بر نتیجه و شیوه های مراقبت از جوانان، کارگران جوان متعهد نه تنها مراقب جوانانی هستند که با آنها ارتباط برقرار می کنند، بلکه به تمرینات RBA که از طریق سخت افزار و نرم افزار به آنها می رسد نیز توجه دارند؛ یعنی در جریان تمرین کار جوانان به تمرین RBA توجه می کنند که آن را به تمرین کار جوانان خود متصل می کنند. در نتیجه درهم تنیدگی، لحظات اجرایی وجود دارد که در آن موقعیت سوژه ها (کارگران جوان، جوانان) و اشیا (کامپیوتر، نرم افزار) و روش های کار موقعیتی و موقت با آنچه که بوده اند متفاوت است؛ اما این بدون عواقب اخلاقی نیست که نه تنها کارگران جوان، بلکه دیگران (مدیران) نیز مسئولیت آن را بر عهده دارند و باید پاسخگو باشند.

۴-۱ مفاهیم برای استراتژی تحقیق

پیشرفت درک پسانسان گرایانه از عملکرد حسابداری پیامدهای مهمی برای استراتژی تحقیق دارد. اولاً، پژوهش باید بر حسابداری تمرکز کند، نه به عنوان یک عمل صرف شناخت انسانی، بلکه به عنوان یک عمل مادی-گفتمانی. باید بر نحوه اجرای حسابداری تمرکز کند. همانطور که اورلیکوفسکی و اسکات در تحقیقات خود در مورد دو طرح ارزش گذاری برجسته هتل که در حال حاضر در مهمان نوازی کار می کنند صنعت نشان می دهد، «این که ارزیابی ها از طریق بدنه های آموزش دیده بازرسان حرفه ای که سالانه کیفیت ملحفه های تخت را بررسی می کنند و آن را بر اساس استاندارد صریح درج شده در صفحه گسترده ارزیابی می کنند یا ارزش گذاری ها توسط الگوریتمی تولید می شوند، در فرآیندهای ارزش گذاری و نتایج تفاوت ایجاد می کند. تجمیع توضیحات آنلاین مداوم و ناشناس مسافران از برخوردهای شخصی با

خدمات بی ادب و راهروهای پر سر و صدا» (اورلیکوفسکی و اسکات، ۲۰۱۴، ص ۸۸۸). دوم، تحقیق باید نشان دهد که چگونه حسابداری در یک دستگاه سازماندهی شده است. یک دستگاه تابع انسان نیست، ابزاری نیست که از شناخت انسان پشتیبانی کند، بلکه درهم تنیده‌ای از بدن انسان، متون، خط‌مشی‌ها، ابزارها و فن‌آوری‌ها «در حال شدن» است، درهم‌تنیدگی که عمل حسابداری را مشروط می‌کند. دستگاه حسابداری به طور اساسی عمل حسابداری را اجرا می‌کند. به عنوان مثال، در صنعت هتلداری، اندازه‌گیری عملکرد هتل از طریق انسان‌های آموزش‌دیده انجام می‌شود که هم توسط گفتمان سنجش عملکرد فعال و هم محدود می‌شوند، در حالی که در عین حال انسان‌ها با افراد غیر انسانی مانند سخت‌افزار، الگوریتم‌ها و نرم‌افزار درگیر می‌شوند. از طریق چنین انجمن‌هایی است که عمل مادی-گفتمانی حسابداری شکل می‌گیرد. ثالثاً، تحقیقات باید نشان دهد که چگونه دستگاه حسابداری به طور عملکردی با سایر روش‌ها، مانند مراقبت از جوانان یا غذاخوری هتل، تعامل دارد. چنانکه کیورز و همکاران (۲۰۱۲) نشان داده‌اند، چنین کنش‌های درون‌کنشی هم شامل و هم حذف می‌شوند. در مطالعه خود در مورد اثرات عملکردی بین کنش‌های بین یک دستگاه سنجش عملکرد مبتنی بر نتایج و یک دستگاه مراقبت بهداشتی. چهارم و مهم‌تر از همه، پژوهش می‌تواند به اخلاقیاتی پردازد که توسط درون‌کنش‌های اجرایی، با استنها و شمول‌های تولید شده آشکار می‌شوند. مطالعه اخلاق اهمیت در تحقیقات حسابداری کیفی شامل درک تبارشناسی دستگاه حسابداری، ویژگی هستی‌شناختی آن و پیامدهای اجرایی آن است. اساساً با بحث در مورد اخلاقیات اهمیت دادن به موقعیت‌های تحقیقاتی حسابداری به عنوان یک موضوع مورد توجه اخلاقی.

۵- سخنان پایانی

به عنوان اولین مشارکت، چارچوب خلاصه‌شده در جدول ۱ بیان می‌کند که حسابداری عملکردی را می‌توان به روش‌های مختلفی درک کرد (و می‌توان فهمید): به عنوان مقصد مورد نظر یک عمل محاسبه (بودکر و همکاران، ۲۰۲۰). به عنوان یک سفر یک عمل محاسبه، یک سفر بدون مقصد (بوسکو و کوآتروونه، ۲۰۱۸؛ رولینو و موریتسن، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷) به عنوان مکانیزم پیشگویی خودشکوفایی که ذاتی یک گفتمان یا چارچوب است (راف، ۲۰۲۱؛ عزامل، ۲۰۰۹؛ بیکر و مدلل، ۲۰۱۹؛ پاور، ۲۰۲۱). به عنوان یک قاب سرریز (فالکونبریچ و موزیو، ۲۰۲۱ - تمسن و شریرک، ۲۰۱۸) به عنوان یک آژانس ارتباطی کنترل شده از بازیگران مانند رتبه‌بندی (مک لارن و اپل یارد، ۲۰۲۰) یا نوشته‌ها (دامبرین و رابسون، ۲۰۱۱). به عنوان یک میانجی (وسلمن، ۲۰۱۴؛ موریتسن و کرینر، ۲۰۱۶؛ مینار و همکاران، ۲۰۱۷؛ ون ارپ و همکاران، ۲۰۱۹)؛ و به عنوان یک عمل حذفی (کیورز و همکاران، ۲۰۱۲؛ اورلیکوفسکی و اسکات، ۲۰۱۴). هر یک از این مفاهیم شایستگی دارد و شایسته اثبات بیشتر است. امیدواریم چارچوب تولید شده بتواند برای مطالعات آتی مورد استفاده قرار گیرد.

به عنوان کمک دوم، این مقاله یک درک پسانسان گرایانه از حسابداری و عملکرد را پیش می‌برد. من مطمئناً نمی‌خواهم ادعا کنم که یک مفهوم پسانسان گرایانه از عملکرد پذیری بینش‌های بهتری نسبت به دیگران ایجاد می‌کند. من همچنین تصدیق می‌کنم که پیشرفت درک پسانسان گرایانه بدون نقد نیست. مدلل (۲۰۲۰) و بیکر و مدلل (۲۰۱۹)،

با اتخاذ موضعی انتقادی واقع گرایانه، به شدت طرفدار درک ساختارگرایانه از عملکرد هستند. درکی که اهمیت تعبیه آن در ساختارهای اجتماعی از قبل موجود را تصدیق می کند. از نظر آنها، این جستجو برای شرایط مرزی ساختاری است که عملکرد حسابداری را حفظ و محدود می کند؛ و این باید محور مطالعه باشد. ظاهراً آنها ترجیح می دهند عملکرد را به عنوان یک مقصد ببینند تا یک سفر مداوم.

با این حال، من استدلال کرده‌ام که یک مطالعه پسانسان‌گرایانه درباره عملکرد قدرت می‌تواند سهمی متمایز داشته باشد، به‌ویژه با قرار دادن حسابداری به‌عنوان یک رویه انحصاری که نگرانی‌های اخلاقی را به منصفه ظهور می‌رساند. چنین مطالعه‌ای صدای سکوت و محرومیت‌هایی را می‌دهد که رویه‌های حسابداری ایجاد می‌کنند، بنابراین به طور بالقوه به تولید «پادزهرهایی علیه این ایده که هر حساب، هر برش از اطلاعات، یا هر مقدار از «داده‌های بزرگ» می‌تواند برای خود صحبت کند، کمک می‌کند - یا که باید» (ولمر، ۲۰۱۹، ص ۱۵). هدف کار میدانی پسانسان گرا مطالعه شرایط مرزی برای عملکرد حسابداری نیست و همچنین هدف آن مطالعه چگونگی عملکرد در شبکه‌های انجمنی نیست که حسابداری بخشی از آن است. سهم متمایز آن در صدا دادن به سکوت‌ها و در افشای اخلاقیات در تعاملات بین عملکردهای حسابداری و سایر اقدامات سازمانی نهفته است.

اساساً پسانسان گرایی متضمن تغییر اساسی در مرجع حسابداری است. به جای در نظر گرفتن یک واقعیت از پیش داده شده، موضوعات و اشیاء از پیش داده شده با ویژگی‌های ثابت به عنوان مرجع (های) حسابداری، ارجاعات حسابداری درهم تنیده‌ای از موضوعات و اشیاء در شدن خود هستند؛ بنابراین، حسابداری صرفاً یک عمل شناخته شده جهان نیست، بلکه (به بیان هاراوی، ۱۹۹۷) یک «روش جهان ساز» است که مشارکت کنندگان آن باید در مورد آن پاسخگو باشند.

یادداشت

۱. هدف من ارائه یک نمای کلی جامع از تمام مقالاتی که به نوعی مفاهیم اساسی عملکرد را در تحقیقات حسابداری بسیج می‌کنند، نبود. در عوض، هدف من اثبات چارچوبی بود که مفاهیم عملکرد حسابداری را با مطالعات حسابداری بیان می‌کند. من به ویژه در مجلات زیر جستجو کردم: حسابداری، سازمان‌ها و جامعه. مجله حسابداری، حسابرسی و حسابرسی؛ تحقیقات حسابداری و بازرگانی؛ دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری؛ تحقیقات حسابداری مدیریت؛ تحقیق کیفی در حسابداری و مدیریت. علاوه بر این، به ویژه به دلیل اینکه در مجلات حسابداری نتوانستم مقالاتی را بیابم که عملکرد حسابداری را به عنوان یک روش گفتمانی مادی اثبات کند، چنین مقالاتی را از مجلات MOS، یعنی علوم سازمانی، مطالعات سازمانی و مجله مدیریت اسکاندیناوی انتخاب کردم.

۲. پسانسان گرایی به گونه‌های مختلفی تعریف و درک شده است. مسنر (۲۰۱۹) به سه مفهوم زیر از پسانسان‌سیسم اشاره می‌کند: فراانسان گرایی (که بر پیشرفت انسان از طریق ابزارهای بیولوژیکی و فناوری تمرکز می‌کند). غیر اومانسیسم (که مربوط به نقش و عاملیت موجودات غیرانسانی مانند حیوانات و فناوری است)؛ و انسان ستیزی (که سوژه اومانستی را که به عنوان کانون اراده، عقل، قصد و آگاهی تعریف می‌شود رد می‌کند). مفهوم متمایز باراد از پسانسان گرایی، سوژه

انسانی را رد نمی کند، بلکه آن را بی ارزش می کند. اساساً، مفهوم باراد از پسانسانسیسم وجود معنادار و از پیش داده شده همه موجودات، از جمله انسان را زیر سوال می برد.

۳. در مطالعه خود در مورد یک مورد تجاری CSR، گریسارد و همکاران (۲۰۲۰) به مفهوم عاملیت اجرایی که توسط باتلر توسعه یافته است، با بررسی ظرفیت افراد، حتی زمانی که آنها از طریق گفتن منضبط می شوند، برای ایجاد تغییر می افزایند. این مطالعه «نشان می دهد که آزمودنی می تواند به طور فزاینده ای عمل کند تا گفتن مالی غالب حاکم بر اطاعت او را تغییر دهد تا آن را بهتر با خواسته هایش هماهنگ کند» (۲۰۲۰، ص ۱). این فضایی را برای احتمالات جایگزین برای انقیاد ایجاد می کند؛ بنابراین، گریسارد و همکاران (۲۰۲۰) با نشان دادن احتمال ظهور یک عامل انسانی از فرآیند انضباطی انضباط، به باتلر اضافه می کنند.

۴. ارتباط با یک سیستم اجتماعی به جای نشانه هایی مانند کلمات یا اعداد، دشوار است که به طور خاص مفهوم لیوتاردی عملکردپذیری را به حسابداری مرتبط کنیم؛ بنابراین من آن را در توسعه یک چارچوب لحاظ نمی کنم. تاکنون، کار علمی زیادی در این زمینه وجود ندارد رشته حسابداری که بر مفهوم لیوتار از عملکرد مبتنی است، با کوپر (۱۹۹۷)، ماتیلال و آدیکاری، (۲۰۲۰) و ساویج (۱۹۹۵) به عنوان استثنای قابل توجه. جدا از بیکر و مدلل که در بخش بحث خود به مفهوم عملکرد انتقادی اشاره می کنند (بیکر و مدلل، ۲۰۱۹) تا آنجا که من می دانم مفاهیم عملکرد انتقادی و پیشرونده در مطالعات حسابداری بسیج نشده بودند.

۵. گارود و گهمان (۲۰۱۹) این تضاد را در پاسخی به مارتی و گوند (۲۰۱۸) بیان می کنند که یک دیدگاه پیش گویی خودشکوفایی از عملکرد را بیان می کنند، بنابراین عملکرد را به عنوان یک مقصد.

۶. از این نظر، من با اینترونا (۲۰۱۳) موافقم که در تمایز لاتور بین انسان و غیرانسان، طنزی وجود دارد، زیرا لاتور به وضوح قصد دارد تمایز مرتبط بین "فرهنگ" و "طبیعت" را پشت سر بگذارد. به عنوان «قلعه ای که اکنون ویران شده است» (لاتور، ۲۰۰۵، ص ۷۶).

۷. از این نظر، درک پسانسانگرایانه بارادی از عملکرد پذیری شباهت هایی با بینش بیان شده توسط لائو و سینگلتن (۲۰۱۴) دارد.

۸. «اخلاق اهمیت دادن» با اخلاق مسئولیت پذیری که مسنر (۲۰۰۹) در کشف محدودیت های پاسخگویی بسیج می کند، متفاوت است. همچنین با اخلاق پاسخگویی هوشمندانه ای که رابرتز (۲۰۰۹) در کشف محدودیت های شفافیت توسعه می دهد، متفاوت است. از نظر مسنر و رابرتز، اخلاق مربوط به اقدامات مسئولانه در ارتباط با تجربیات بشری از جهان است. آن ها دیدگاه های انسان گرایانه از اخلاق، دیدگاه هایی درباره این مسئله که چگونه منافع عمومی و منافع خاص با یکدیگر در جریان تعامل انسانی مرتبط می شوند، ارائه می کنند. «اخلاق موضوعیت» با روایتی پسانسان گرایانه از جهانی مطابقت دارد که از طریق درون کنش های اجرایی که ما بخشی از آن هستیم، آشکار می شود. دعوت اخلاقی در امر جهان تجسم یافته است. همانطور که باراد می گوید: «اخلاق در مورد اهمیت دادن است، به حساب آوردن

مادیات درهم تنیده ای که ما بخشی از آن هستیم، شامل پیکربندی های جدید، ذهنیت های جدید، امکانات جدید» (باراد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۴).

منابع

- Ahrens, T. and Chapman, C.S. (2007), "Management accounting as practice", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 32 Nos 1/2, pp. 1-27.
- Austin, J.L. (1962), *How to Do Things with Words*, Oxford University Press, Oxford.
- Baker, M. and Modell, S. (2019), "Rethinking performativity. A critical realist analysis of accounting for corporate social responsibility", *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, Vol. 32 No. 4, pp. 930-956.
- Barad, K. (2003), "Posthumanist performativity: toward an understanding of how matter comes to matter", *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, Vol. 28 No. 3, pp. 801-831.
- Barad, K. (2007), *Meeting the Universe Halfway: Quantum Physics and the Entanglement of Matter and Meaning*, Duke University Press, Durham, NC.
- Barad, K. (2014), "Diffracting diffraction: cutting together-apart", *Parallax*, Vol. 20 No No. 3, pp. 168-187.
- Boedker, C., Chong, K.-M. and Mouritsen, J. (2020), "The counter-performativity of calculative practices: mobilising rankings of intellectual capital", *Critical Perspectives on Accounting*, Vol. 72, available at: doi.org/10.1016/j.cpa.2019.102100.
- Burchell, S., Clubb, C., Hopwood, A., Hughes, J. and Nahapiet, J. (1980), "The roles of accounting in organizations and society", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 5 No. 1, pp. 5-27.
- Busco, C. and Quattrone, P. (2018a), "In search of the 'perfect one': how accounting as a maieutic machine sustains inventions through generative 'in-tensions'", *Management Accounting Research*, Vol. 39 No. 1, pp. 1-16.
- Busco, C. and Quattrone, P. (2018b), "Performing business and social innovation through accounting inscriptions: an introduction", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 67 No. 1, pp. 15-19.
- Butler, J. (1988), "Performative acts and gender constitution: an essay in phenomenology and feminist theory", *Theatre Journal*, Vol. 40 No. 4, pp. 519-531.
- Butler, J. (1993), *Bodies That Matter: On the Discursive Limits of Sex*, Routledge, London.
- Butler, J. (1997), "Excitable speech", *A Politics of the Performative*, Routledge, New York, NY.
- Butler, J. (2010), "Performative agency", *Journal of Cultural Economy*, Vol. 3 No. 2, pp. 147-147-
- ۱۵۸ Cabantous, L., Gond, J.-P., Harding, N. and Learmonth, M. (2016), "performativity", *Human Relations*, Vol. 69 No. 2, pp. 197-213.
- Callon, M. (1998), *The Laws of the Markets*, Blackwell, Oxford.
- Callon, M. (2007), "What does it mean to say that economics is performative?", in MacKenzie, D., Muniesa, F. and Siu, L. (Eds), *Do Economists Make Markets? On the Performativity of Economics*, Princeton University Press, Princeton.
- Callon, M. (2010), "Performativity, misfires and politics", *Journal of Cultural Economy*, Vol. 3 No. 2, pp. 163-169.

- Christensen, M. and Skærbæk, P. (2007), "Framing and overflow of public sector accountability innovations - a comparative study of reporting practices", *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, Vol. 20 No. 1, pp. 101-132.
- Cooper, C. (1997), "Against postmodernism: class oriented questions for critical accounting", *Critical Perspectives on Accounting*, Vol. 8 Nos 1/2, pp. 15-41.
- Cooren, F., Taylor, J. and Van Every. E. (Eds) (2006), *Communicating as Organizing: Empirical and Theoretical Explorations in the Dynamic of Text and Conversation*, Lawrence Erlbaum, Mahway, NJ.
- Cushen, J. (2013), "Financialization in the workplace: hegemonic narratives, performative interventions and the angry knowledge worker", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 38 No. 4, pp. 314-331.
- D'Adderio, L., Glaser, V. and Pollock, N. (2019), "Performing theories, transforming organizations: a reply to Marti and Gond", *Academy of Management Review*, Vol. 44 No. 3, pp. 676-679.
- Dambrin, C. and Robson, K. (2011), "Tracing performance in the pharmaceutical industry: ambivalence, opacity and the performativity of flawed measures", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 36 No. 7, pp. 428-455.
- Deleuze, G. and Guattari, F. (1987), *A Thousand Plateaus: Capitalism and Schizophrenia*, University of MN Press, Minneapolis.
- Denis, J. (2006), "Preface: les nouveaux visages de la performativité", *Études de Communication*, Vol. 29 No. 29, pp. 8-24.
- Derrida, J. (1979), "Signature event context", *Glyph*, Vol. 1, pp. 172-197.
- Ezzamel, M. (2009), "Order and accounting as a performative ritual: evidence from ancient Egypt", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 34 Nos 3/4, pp. 348-380.
- Fleming, P. and Banerjee, S.B. (2016), "When performativity fails: implications for critical management studies", *Human Relations*, Vol. 69 No. 2, pp. 257-276.
- Friedman, M. and Handley, S. (2008), *Neighbourhood Centres and Results Accountability: A Conversation with Mark Friedman*, Local Community Services Association, Sydney.
- Garud, R. and Gehman, J. (2019), "Performativity: not a destination but an ongoing journey", *Academy of Management Review*, Vol. 44 No. 3, pp. 679-684.
- Gherardi, S. (2017), "To start practice theorizing anew: the contribution of the concepts of agencement and formativeness", *Organization*, Vol. 23 No. 5, pp. 680-698.
- Gond, J.-P., Cabantous, L., Harding, N. and Learmonth, M. (2016), "What do we mean by performativity in organizational and management theory? The uses and abuses of performativity", *International Journal of Management Reviews*, Vol. 18 No. 4, pp. 440-463.
- Grisard, C., Annisette, M. and Graham, C. (2020), "Performative agency and incremental change in a CSR context", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 82.
- Haraway, D. (1988), "Situated knowledges", *Feminist Studies*, Vol. 14 No. 3, pp. 575-599.
- Haraway, D. (1997), *Modest Winess@Second_Millennium.Female Man Meets OncoMouse™* Routledge, New York, NY.
- Hines, R.D. (1988), "Financial accounting: in communicating reality, we construct reality", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 13 No. 3, pp. 251-261.
- Introna, L.D. (2013), "Epilogue: performativity and the becoming of sociomaterial assemblages", *Materiality and Space: Organizations, Artefacts and Practices*, Springer, New York, NY, pp. 330-342.

- Keevers, L., Treleaven, L., Sykes, C. and Darcy, M. (2012), "Made to measure: taming practices with results-based accountability", *Organization Studies*, Vol. 33 No. 1, pp. 97-120.
- Latour, B. (1987), *Science in Action: How to Follow Scientists and Engineers through Society*, Harvard University Press, Cambridge MA.
- Latour, B. (1999), "Circulating Reference: Sampling the Soil in the Amazon Forest", Ch. 2 in *Pandora's Hope: Essays on the Reality of Science Studies*, Harvard University Press, Cambridge, MA.
- Latour, B. (2005), *Reassembling the Social: An Introduction to Actor-Network Theory*, Oxford University Press, Oxford.
- Law, J. (2011), "What's wrong with a one world world?", available at: www.heterogeneities.net/publications/Law2011WhatsWrongWithAOneWorldWorld.pdf
- Law, J. and Singleton, V. (2014), "ANT, multiplicity and policy", *Critical Policy Studies*, Vol. 8 No. 4, pp. 379- 396, doi: 10.1080/19460171.2014.957056.
- Learmonth, M., Harding, N., Gond, J.-P. and Cabantous, L. (2016), "Moving critical performativity forward", *Human Relations*, Vol. 69 No. 2, pp. 251-256.
- Lowe, A. (2001), "After ANT. An illustrative discussion of the implications for qualitative accounting case research", *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, Vol. 14 No. 3, pp. 327-351.
- Lyotard, J.-F. (1984), [1979], *The Postmodern Condition: A Report on Knowledge*, Bennington, G. and Massumi, B. (Eds) Manchester University Press, Manchester.
- McLaren, J. and Appleyard, T. (2020), "Improving accountability for farm animal welfare: the performative role of a benchmark device", *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, Vol. 33 No. 1, pp. 32- 58.
- MacKenzie, D. (2006a), *An Engine, Not a Camera*, MIT Press, Cambridge, MA.
- MacKenzie, D. (2006b), "Is economics performative? Option theory and the construction of derivatives markets", *Journal of the History of Economic Thought*, Vol. 28 No. 1, pp. 29-55.
- Marti, E. and Gond, J.-P. (2018), "When do theories become self-fulfilling? Exploring the boundary conditions of performativity", *Academy of Management Review*, Vol. 43 No. 3, pp. 487-508.
- Matilal, S. and Adhikari, P. (2020), "Accounting in Bhopal: making catastrophe", *Critical Perspectives on Accounting*, Vol. 72, available at: doi.org/10.1016/j.cpa.2019.102123
- Mauthner, N.S. (2019), "Toward a posthumanist ethics of qualitative research in a big data era", *American Behavioral Scientist*, Vol. 63 No. 6, pp. 669-698.
- Messner, M. (2009), "The limits of accountability", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 34 No. 8, pp. 918-938.
- Miller, P. (1992), "Accounting and objectivity: the invention of calculating selves and calculable spaces", *Annals of Scholarship*, Vol. 9 No. 2, pp. 61-86.
- Miller, P. and O'Leary, T. (1987), "Accounting and the construction of the governable person", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 12 No. 3, pp. 235-265.
- Miller, P. and Power, M. (2013), "Accounting, organizing and economizing: connecting accounting research and organizational theory", *Academy of Management Annals*, Vol. 7 No. 1, pp. 555- 603.
- Minnaar, R., Vosselman, E., Van Veen-Dirks, P. and Zahir-Ul-Hassan, K. (2017), "A relational perspective on the contract-control-trust nexus in interfirm relationships", *Management Accounting Research*, Vol. 34, pp. 30-41.

- Modell, S. (2020), "For structure: a critical realist critique of the use of actor-network theory in critical accounting research", *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, Vol. 33 No. 3, pp. 621- 640.
- Mouritsen, J. and Kreiner, K. (2016), "Accounting, decisions and promises", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 49, pp. 21-31.
- Mouritsen, J., Hansen, A. and Hansen, C.O. (2009), "Short and long translations: management accounting calculations and innovation management", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 34 Nos 6/7, pp. 738-754.
- Nyberg, D. (2009), "Computers, customer service operatives and cyborgs: intra-actions in call centres", *Organization Studies*, Vol. 30 No. 11, pp. 1181-1199.
- Orlikowski, W.J. and Scott, S.V. (2014), "What happens when evaluation goes online? Exploring apparatuses of valuation in the travel sector", *Organization Science*, Vol. 25 No. 3, pp. 868-891.
- Power, M. (2018), "Accounting, boundary-making and organizational permeability", *Research in the Sociology of Organizations*, Vol. 57, pp. 31-53.
- Power, M. (2021), "Modelling the microfoundations of the audit society: organizations and the logic of the audit trail", *Academy of Management Review*, Vol. 46 No. 1, pp. 6-32.
- Qu, S.Q. and Cooper, D.J. (2011), "The role of inscriptions in producing a balanced scorecard", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 36 No. 6, pp. 344-362.
- Revellino, S. and Mouritsen, J. (2015), "Accounting as an engine: the performativity of calculative practices and the dynamics of innovation", *Management Accounting Research*, Vol. 28, pp. 31- 49.
- Revellino, S. and Mouritsen, J. (2017), "Ex-citable accounting and the development of pervasive innovation", *Qualitative Research in Accounting and Management*, Vol. 14 No. 4, pp. 448-466.
- Roberts, J. (2009), "No one is perfect: the limits of transparency and an ethic for 'intelligent' accountability", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 34 No. 8, pp. 957-970.
- Roberts, J. and Jones, M. (2009), "Accounting for self interest in the credit crisis", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 34 Nos 6/7, pp. 856-867.
- Robson, K. (1991), "On the arenas of accounting change: the process of translation", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 16 Nos 5/6, pp. 547-570.
- Robson, K. (1992), "Accounting numbers as 'inscription'; action at a distance and the development of accounting", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 17 No. 7, pp. 685-708.
- Ruff, K. (2021), "How impact measurement devices act: the performativity of theory of change, SROI and dashboards", *Qualitative Research in Accounting and Management*, Vol. 18 No. 3, doi:10.1108/QRAM-02-2019-0041.
- Savage, A.A. (1995), "A postmodern perspective on the scientific status of accounting: a research note", *De Ratione*, Vol. 9 No. 1, pp. 1-8.
- Schaefer, S.M. and Wickert, C. (2016), "On the potential of progressive performativity: definitional purity, re-engagement and empirical points of departure", *Human Relations*, Vol. 69 No. 2, pp. 215-224.
- Schatzki, T.R. (2002), *The Site of the Social: A Philosophical account of the Constitution of Social Life and Change*, PA State University Press, University Park, PA.
- Searle, J. (1969), *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*, Cambridge University Press, Cambridge.

- Skærbæk, P. and Tryggestad, K. (2010), "The role of accounting devices in performing corporate strategy", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 35 No. 1, pp. 108-124.
- Spicer, A., Alvesson, M. and Kärreman, D. (2009), "Critical performativity: the unfinished business of critical management studies", *Human Relations*, Vol. 62 No. 4, pp. 537-560.
- Spicer, A., Alvesson, M. and Kärreman, D. (2016), "Extending critical performativity", *Human Relations*, Vol. 69 No. 2, pp. 225-249.
- Themsen, T.N. and Skærbæk, P. (2018), technologies: the translation of uncertainties into pure and impure risks "The performativity of risk management frameworks and", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 67, pp. 20-33.
- Van Erp, E., Roozen, F. and Vosselman, E. (2019), "The performativity of a management accounting and control system: exploring the dynamic relational consequences of a design", *Scandinavian Journal of Management*, Vol. 35 No. 4, available at: doi.org/10.1016/j.scaman.2019.101077
- Visser, L.M. and Davies, O.E. (2021), "The becoming of online healthcare through entangled power and performativity: a posthumanist agential realist perspective", *Organization Studies*, Vol. 42 No. 12, pp. 1-21, available at: doi.org/10.1177/0170840621997616
- Vollmer, H. (2019), "Accounting for tacit coordination: the passing of accounts and the broader case for accounting theory", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 73, pp. 15-34.
- Vollmer, H., Mennicken, A. and Preda, A. (2009), "Tracking the numbers: across accounting and finance, organizations and markets", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 34 No. 5, pp. 619-637.
- Vosselman, E. (2014), "The 'performativity thesis' and its critics: towards a relational ontology of management accounting", *Accounting and Business Research*, Vol. 44 No. 2, pp. 181-203.
- Warren, L. and Seal, W. (2018), "Using investment appraisal models in strategic negotiation: the cultural political economy of electricity generation", *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 70, pp. 16-32.
- Wickert, C. and Schaefer, S.M. (2015), "Towards a progressive understanding of performativity in critical management studies", *Human Relations*, Vol. 68 No. 1, pp. 107-130.